

مخاطب
خاص

قدرت پنهان

در رهبری عواطف اجتماعی

بازخوانی سیره حضرت زهرا

● محمد صادق حیدری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قدرت پنهان

«بازخوانی سیره حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف اجتماعی»



قدرت پنهان ۱

«بازخوانی سیره حضرت زهرا (علیها السلام) در مدیریت عواطف اجتماعی»

کاری از مجموعه «حسینیة اندیشه»

به سفارش: اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی
پژوهشگران: روح الله صدوق عارف، احمد زیبایی نژاد، محمدصادق حیدری،
حسن صدوق عارف

ویراستار: حسین حبیبی و عابد بدخشان

ناظر تولید: رضا زندوکیلی

مدیر هنری: محمدصادق صالحی

ناشر: ویراستاران

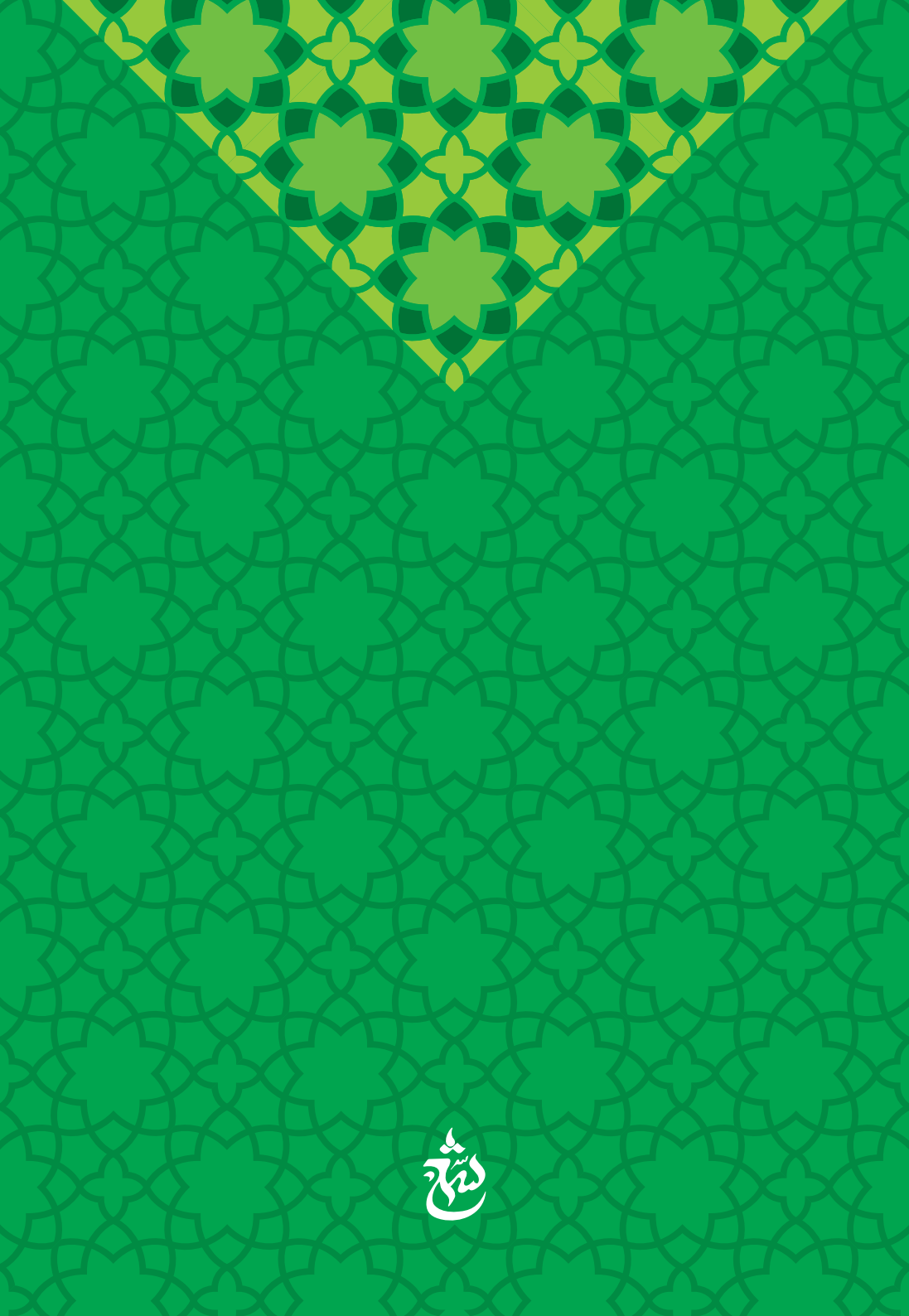
نوبت چاپ: اول/ ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

کتاب حاضر با عنوان «قدرت پنهان» به بازخوانی سیر حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف اجتماعی و تبیین جایگاه زنان ایران اسلامی در سه عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی پرداخته است. این محتوای تبلیغی با دو قلم و مهندسی محتوای متفاوت، برای دو مخاطب متفاوت تولید شده است.

«قدرت پنهان ۱» ویژه **مخاطب خاص** بوده و برای فضای علمی و نخبگانی قابل استفاده است.



سنة



فهرست

مقدمه || ۱۱

مجلس اول

از «سیده نساء العالمین» تا «رهبری جامعه زنان»
(نگاهی نو به سیره حضرت زهرا علیها السلام در رهبری جامعه زنان)

اثر آتشین یک گفتگو || ۳۵

رهبری جامعه زنان و موج آفرینی اجتماعی || ۳۷

واقعیتی به نام «جامعه زنان» || ۳۹

پس گرفتن «رهبری جامعه زنان» از زنان بت پرست || ۳۹

زن «نه شرقی؛ نه غربی» || ۴۱

زن غربی و تحصیل و اشتغال مردانه || ۴۳

زن شرقی و تجمل در خانه || ۴۳

سرگشتگی هویت زنانه در معرکه «زن شرقی» و «زن غربی» || ۴۴

هویت سوم: تحریک عواطف جامعه برای مقابله با کفر و نفاق || ۴۴

خروش حضرت آسیه؛ درگیری ملکه با امپراطور! || ۴۵

جنگ امروز زنان ما! || ۴۷

فریاد بیداری زهرا علیها السلام در میدان مبارزه || ۴۹



مجلس دوم

رهبری جامعه زنان؛ از «مدیریت عواطف اجتماعی» در اسلام تا «مردوارگی زن» در غرب
(بررسی انتقادی هویت اجتماعی زن غربی)

«عاطفه» محور خصوصیت تکوینی زن و منشأ «رهبری جامعه زنان» || ۵۳

ترکیب «عاطفه» و «اقتدار»، لازمه «جامعه متعادل» || ۵۳

تسبیحات حضرت زهرا، هدیه‌ی «مدیریت عواطف اجتماعی» || ۵۴

توقف در مادری و همسری ممنوع || ۵۷

مردوارگی؛ نقش اجتماعی تقلبی برای زنان غربی || ۵۹

عواطف الهی حضرت هاجر رضی الله عنه، منشأ حفظ نسل پیامبر و محور شهر مکه || ۶۰

از مدیریت عواطف تا مدنیت‌سازی بر محور پرستش خدا || ۶۴

قدرت تمام زنان || ۶۵

امروز در چه موضوعاتی به مدیریت عواطف احتیاج داریم؟ || ۶۶

روضه‌ی عاطفه... || ۶۷

مجلس سوم

از «پرده‌نشینی» تا «مدیریت عواطف اجتماعی»
(بررسی انتقادی رویکرد سنتی به نقش زن در جامعه)

تسلط به روابط اجتماعی در خطبه فدکیه || ۷۳

دیدار همیشگی با فرمانده پشت جبهه || ۷۵

از «مسجد المرأه بیتها» تا «المؤمنون والمؤمنات بعضهم أولیاء بعض» || ۷۸

بیعت زنانه || ۸۳

«ماشطه آل فرعون»، تور گداخته و عطوفت انقلابی || ۸۳

مادر حضرت موسی و مدیریت عواطف برای نجات «منجی»! || ۸۶

مجالس زنانه، هماهنگی برای رأی‌آوری زنان لایق و شکستن جناح‌بازی‌ها || ۸۸

پُر کردن یک جای خالی با هزار رکعت || ۹۰

مجلس چهارم

انقلاب اسلامی ورستاخیز «مدیریت عواطف اجتماعی»
(بازخوانی نقش انقلاب اسلامی در احیاء هویت اجتماعی زن مسلمان)

گرسنگی حادثه ساز! || ۹۵

زهد زنانه || ۹۹

انقلاب اسلامی ورستاخیز زنان بزرگ || ۱۰۰

مدیریت عواطف اجتماعی در «جنگ اقتصادی» || ۱۰۳

به امید هدایای حضرت زهرا در بهشت || ۱۰۵

قیام عاطفی برای تعدیل در «الگوی مصرف» و تغییر در «الگوی تولید» || ۱۰۶

حضرت مریم و «تحمل تهمت» و «اثر عفت» برای شکستن دستگاه نفاق || ۱۰۸

روضه‌ی زیبایی... || ۱۱۳

مجلس پنجم

مدیریت عواطف اجتماعی؛ از «مصدق یابی» تا «نهادسازی»
(راهکارهای تحقق و توسعه «مدیریت عواطف اجتماعی»)

تعریف انسان در «سوره انسان» با حادثه‌سازی علوی و فاطمی! || ۱۱۹

خدیجه کبری در برابر قهر جامعه زنان! || ۱۲۴

هجرت حضرت معصومه و به چالش کشیدن سیاست‌ورزی غیرالهی || ۱۲۶

فداکاری دختران حضرت لوط || ۱۲۷

زنان بزرگ و دغدغه دائمی || ۱۲۸

مصادیق «مدیریت الهی عواطف» در خانه || ۱۲۹

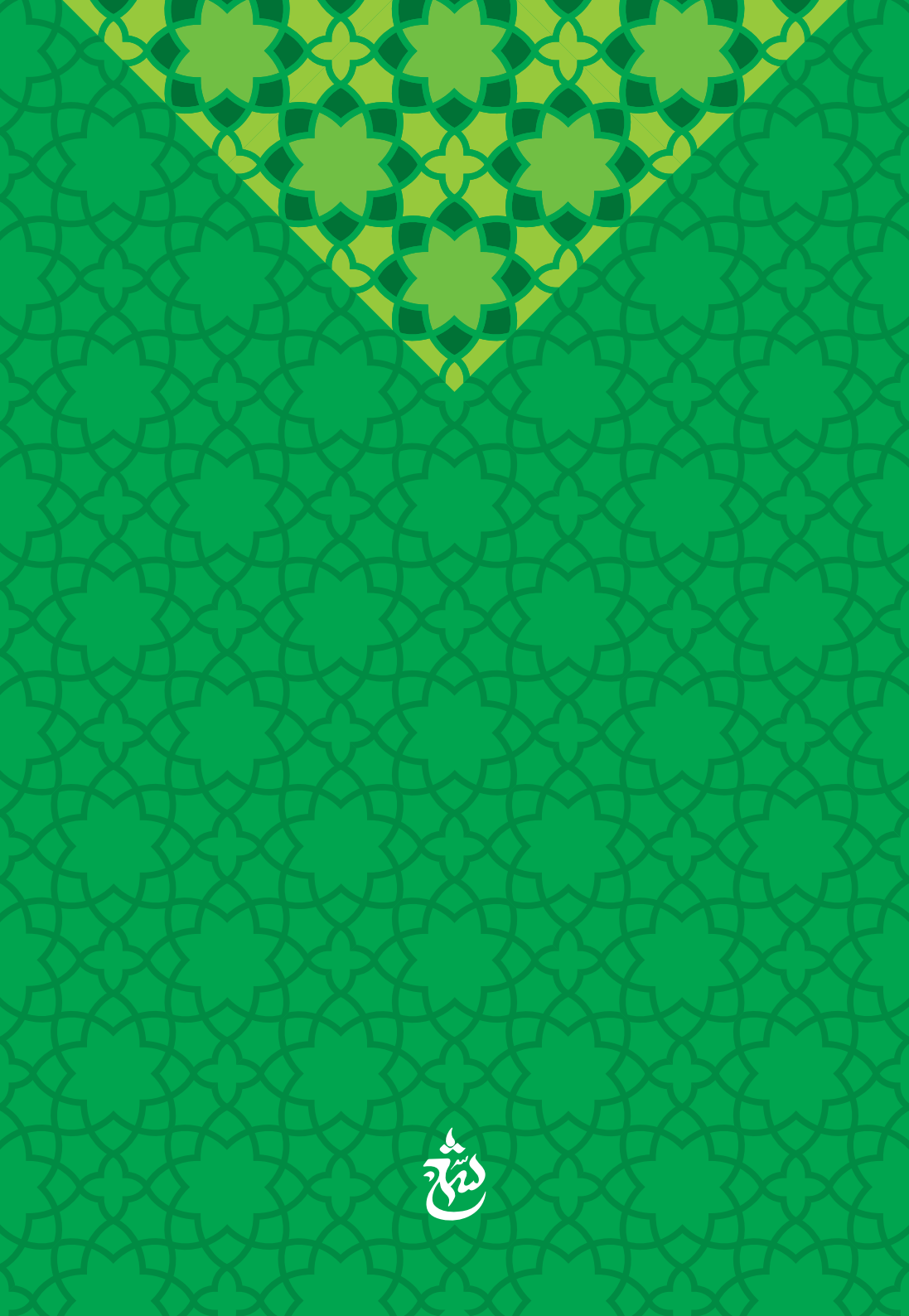
مصادیق مدیریت عواطف در جامعه || ۱۳۰

انقلاب اسلامی و ضرورت «نهاد مدیریت عواطف اجتماعی» || ۱۳۲

الگوی سوم زن! || ۱۳۳

روضه‌ی آرامش... || ۱۳۴

کتابنامه || ۱۳۷



سنة



مقدمه

بی‌شک «مسئله‌ی زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه‌ی یک است»!^۱
دلایل مختلفی این ادعا را ثابت می‌کند؛ از جمله:

در این سال‌های پس از انقلاب، از نظر جبهه‌ی دشمنان ما، مسئله‌ی زن، در یکی از بالانشین‌های جدول اعتراض‌ها به ماست. از اول انقلاب روی مسئله‌ی زن تکیه کردند؛ به ما اعتراض کردند و آن را در ردیف تروریسم و نقض حقوق بشر قلمداد کردند. هنوز هیچ خبری هم نبود. معلوم هم نبود که جامعه‌ی اسلامی با جنس زن چه کار خواهد کرد. آنها شروع کردند که: اسلام علیه زن است؛ اسلام چنین است. البته این مسئله تا امروز هم ادامه دارد. خب، ما در این زمینه بایستی مواجهه کنیم؛ مقابله کنیم. افکار عمومی جهان را نمی‌شود دست‌کم گرفت. همه که مغرض نیستند؛ همه که خباثت ندارند. خباثت مال یک عده‌ی خاص است؛ مال سیاست‌گران و سیاست‌سازان و برنامه‌ریزان و اینهاست. ما نباید اجازه بدهیم که عامه‌ی مردم دچار این اغوای بزرگ قرار بگیرند؛ لذا باید وارد شویم.^۲

از نظر دیدبان انقلاب، رهبر معظم انقلاب اسلامی، دشمن برای مقابله با نظام اسلامی در مسئله‌ی زن، پیشرفت اجتماعی زنان را هدف گرفته است: «تبلیغات

۱. نک: بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴ دی ۱۳۹۰، دسترسی در: <https://khl.ink/f/18453>.

۲. همان.

پُررجم غربی وانمود می‌کنند که با نگاه اسلامی، جلوی رشد و پیشرفت زن گرفته می‌شود!^۱ بله، محور این دروغ‌پردازی‌ها و لجن‌پراکنی‌های غرب، نقش اجتماعی زنان است. در واقع اصل شبهه‌پراکنی‌ها حول این سخن است که نظام اسلامی تعریف و تدبیری برای نقش زنان در اجتماع ندارد و اساساً با حضور اجتماعی زنان مخالف است! اما حقیقت مسئله این است که:

زن باشرف و بااستعداد ایرانی، یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به تمدن غرب زده... در میدان‌های مختلف، زن ایرانی حضور پیدا کرده؛ در بالاترین سطوح قرار گرفته؛ با حجاب اسلامی، با رعایت حجاب؛ این خیلی چیز مهمی است. این باطل‌کننده‌ی یک زحمت و تلاش دویست سیصد ساله‌ی غرب است؛ نمی‌توانند تحمّل کنند؛ عصبانی می‌شوند؛ خودشان را به در و دیوار می‌زنند تا بتوانند یک کاری بکنند. آن وقت می‌چسبند به قضیه‌ی حجاب؛ می‌چسبند به یک مورد و بنا می‌کنند تبلیغات کردن. ببینید، عامل این شبهه‌افکنی‌ها این است و تظاهر دشمن هم آن است که مشاهده می‌کنید و می‌بینید.^۲

راهبردی که رهبر معظم انقلاب برای مقابله با این برنامه‌ی دشمن معرفی کرده، تهاجم است؛^۳ به این معنا که «بیشترین جریمه‌ی غرب در مسئله‌ی زن و خانواده، در نگاهش به زن است».^۴

همه باید بدانند که آنچه غربی‌ها به آن دامن زدند و تمدن غربی پایه‌گذار خشت کج و بنای کجش بود، بی‌بندوباری و ابتذال زنانه است. مکرر در مطبوعات امریکایی و اروپایی، میزان بالای زن‌آزاری‌ها و شکنجه‌ها و بی‌مهری‌ها منتشر شده است... با این فرهنگ، از همه دنیا هم طلبکارند؛

۱. نک: بنایات در ارتباط تصویر با مداحان، ۱۵ دی ۱۳۹۹، دسترسی در: <https://khl.ink/f/47254>.

۲. بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۵ مرداد ۱۴۰۱، دسترسی در: <https://khl.ink/f/50689>.

۳. «گفتمان اسلامی در مورد زن را بایست با روحیه‌ی تهاجم، طلبکارانه مطرح کرد. اگر آنها گفتند که شما چرا به زن برای اینکه بتواند بی‌حجاب بگردد، آزادی نمی‌دهید، باید گفت شما چرا این آزادی مضر و دهشتناک را می‌دهید؟ به آن شکلی که امروز در غرب وجود دارد؟» بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۲، دسترسی در: <https://khl.ink/f/22536>.

۴. بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴ دی ۱۳۹۰، دسترسی در: <https://khl.ink/f/18453>.

درحالی‌که باید بدهکار باشند! فرهنگ غربی در مورد زنان باید در موضع مدافع قرار گیرد؛ باید از خودش دفاع کند؛ باید توضیح بدهد؛ اما غلبه و سلطه سرمایه داری و رسانه‌های مستکبرِ جَبّارِ غربی قضیه را به عکس می‌کنند؛ آن‌ها می‌شوند طلبکار؛ آنها می‌شوند مدافع حقوق زن به قول خودشان و به اصطلاح خودشان! درحالی‌که چنین چیزی نیست.^۱

غربی‌ها مدعی آزادی زن هستند، اما:

از روزی که اروپایی‌ها، صنایع جدید را به وجود آوردند. در اوایل قرن نوزدهم که سرمایه‌داران غربی کارخانه‌های بزرگ را اختراع کرده بودند. و احتیاج به نیروی کار ارزان و بی‌توقع و کم‌دردسر داشتند، زمزمه «آزادی زن» را بلند کردند؛ برای این‌که زن را از داخل خانواده‌ها به درون کارخانه‌ها بکشاند؛ به عنوان یک کارگزار ارزان از او استفاده کنند؛ جیب‌های خودشان را پرکنند و زن را از کرامت و منزلت خود بیندازند. امروز آنچه که به عنوان «آزادی زن» در غرب مطرح است، دنباله‌ی همان داستان و همان ماجراست. لذا ظمی که در فرهنگ غربی به زن شده است و برداشت غلطی که از زن در آثار فرهنگ و ادبیات غرب وجود دارد، در تمام دوران تاریخ بی‌سابقه است. در گذشته هم در همه جا به زن ظلم شده است، اما این ظلم عمومی و فراگیر و همه‌جانبه، مخصوص دوران اخیر و ناشی از تمدن غرب است.^۲

چنین آزادی و نقش و مشارکتی برای زنان، به یک ظلم پیچیده و مدرن در حق زنان منجر شده و باعث شده که در درون جامعه ایمانی هم مواضع انفعالی پدید بیاید:

گفتمان غربی در مورد زن اجزاء گوناگونی دارد، لکن دو جزء در آن برجسته است: یکی مردواره کردن زن، یعنی زن را متشبه به مرد قرار دادن. این یک بخش مهم از این گفتمان است... مردواره کردن زن، یعنی به دنبال این بودند که مشاغل گوناگونی که با ساخت جسمی و عصبی و فکری مرد سازگارتر است را بکشاند به سمت بانوان و زنان، و این را یک افتخار برای زن و یک امتیاز برای زن قرار

۱. بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا علیها السلام، ۱۳ تیر ۱۳۸۶، دسترسی در:

<https://khl.ink/f/3390>

۲. بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۲۵ آذر ۱۳۷۹، دسترسی در: <https://khl.ink/f/2645>

بدهند. ما در مقابل این دچار انفعال شدیم، یعنی دُور خوردیم؛ ما هم نادانسته، ناخواسته، این گفتمان را قبول کردیم. می بینید ما الآن افتخار می کنیم که فلان تعداد زن، در فلان بخش های اجرایی کشور داریم. اشتباه نشود؛ از اینکه این بانوان در این مناصب اجرایی باشند، من هیچ مشکلی ندارم؛ یعنی منع نمی کنم، نفی نمی کنم، ایرادی هم برایش قائل نیستم. فرض کنید وزیر بهداشت ما یک خانم بود، یا معاونین رئیس جمهور مثلاً یا بخش های مختلف در بینشان بانوان هستند، این از نظر من اشکالی ندارد. آنچه اشکال دارد، افتخار به این است که ما به رخ دنیا بکشیم که ببینید، ما در بخش های اجرایی این قدر زن داریم! این همان دُور خوردن است؛ این همان منفعل شدن است؛ این افتخاری ندارد. خیلی خب، یک خانمی است، ارزش هایی داشته، توانایی هایی پیدا کرده، مناسب این مقام شده؛ خیلی خب، بگذارند؛ خلاف قانون هم که نبوده؛ اما اینکه ما به این افتخار بکنیم که ببینید، ما این تعداد خانم مسئول در بخش های اجرایی داریم، این غلط است. اگر ما افتخار کنیم که این تعداد خانم روشنفکر، خانم تحصیل کرده داریم، این خوب است؛ این جا دارد؛ اگر بگوییم این مقدار خانم نویسنده، خانم فعال فرهنگی یا فعال سیاسی داریم، اشکالی ندارد. اگر بگوییم این مقدار خانم شهادت طلب و مجاهده کار در میدان های گوناگون داریم، این خوب است. اگر بگوییم این مقدار خانمی که در عرصه های سیاسی انقلابی فعالیت دارند - گوینده اند، نویسنده اند. داریم، این خوب است؛ افتخار به اینها خوب است؛ اما افتخار به اینکه ما این تعداد وزیر زن، این تعداد نماینده ی زن، این تعداد معاون بخش های مختلف زن، این تعداد رئیس مؤسسات تجاری زن داریم. افتخار به این غلط است؛ این انفعال در مقابل آنها است.^۱

اما به جز نگاه غربی به نقش زن، مانع دیگری هم در این سوی معرکه وجود دارد که از جنس «کج فهمی از دین» است:

اسلام به معنای واقعی، زن را تکریم کرده است. اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه می کند، یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت های زن در داخل خانواده تکیه می کند، به هیچ وجه به

۱. بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته ی حوزوی و دانشگاهی، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۲، دسترسی در:

<https://khl.link/f/22536>.

معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیت‌های عمومی مردم منع کند. عده‌ای بد و یا کج فهمیدند؛ یک عده‌ی مغرض هم از این کج فهمی استفاده کردند؛ کأنه یا باید زن، مادر خوب و همسر خوبی باشد، یا باید در تلاش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند! قضیه این طوری نیست. هم باید مادرِ خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) مظهر چنین جمعی است؛ جمع بین شئون مختلف. زینب کبری نمونه‌ی دیگر است. زن‌های معروف صدر اسلام و زن‌های برجسته، نمونه‌های دیگرند. اینها در جامعه بودند و حضور داشتند. نفهمیدن مفهوم تکریم زن در اسلام، همراه شده است با بدآموزی‌های القاشده به عنوان تکریم زن در تمدن غرب. اینها باهم آمیخته شده و یک جریان غلط ذهنی و فکری به وجود آورده.^۱

اولین شخصیتی که در دوران معاصر، در مقابل این مانع ایستاد، حضرت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه بود:

اول کسی که این نقش را فهمید، امام بزرگوار ما بود. مثل خیلی چیزهای دیگری که اول او فهمید؛ درحالی که هیچ‌کدام از ماها نمی‌فهمیدیم. همچنان که امام نقش مردم را فهمید... امام در زمینه‌ی زن هم همین جور بود. امام نقش زنان را فهمید؛ و آلا بودند بزرگانی از علما که ما با اینها بگویم داشتیم، که اصلاً زن‌ها در تظاهرات شرکت نکنند یا نکنند! آنها می‌گفتند زن‌ها در تظاهرات شرکت نکنند.^۲

البته مخالفت حضرت امام در برابر این کج فهمی، صرفاً بر اساس مصالح زودگذر نبود؛ بلکه مسئله بر سر فهم دقیق‌تری از دین است:

می‌گویند آقا شما می‌خواهید زن را توی خانه اسیر کنید، محبوس کنید، از حضور در صحنه‌های زندگی و فعالیت بازدارید؛ نه، به هیچ وجه قصد ما این نیست. اسلام هم این را نخواسته. اسلام وقتی که می‌گوید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ

۱. بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۵ مرداد ۱۳۸۴، دسترسی در: <https://khl.in/f/3298>

۲. بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴ دی ۱۳۹۰، دسترسی در: <https://khl.in/f/18453>

وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، یعنی مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه‌ی نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر، همه سهیم و شریکند؛ زن را استثنا نکرده. ما هم نمی‌توانیم زن را استثنا کنیم. مسئولیت اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی بر دوش همه است؛ بر دوش زن، بر دوش مرد؛ هر کدامی به نحوی، بر حسب توانایی‌های خودشان.^۱

مسئولیت حضور در جامعه و فهمیدن دردهای عمومی جامعه و سعی در علاج دردهای عمومی جامعه، مخصوص مرد و مخصوص زن نیست؛ زن‌ها هم نمی‌توانند شانه‌شان را از این مسئولیت خالی کنند.^۲

این که می‌فرماید: **«مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»**، مخصوص مردان نیست؛ زنان هم باید به امور مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی و امور جهان اسلام و همه‌ی مسائلی که در دنیا می‌گذرد، احساس مسئولیت کنند و اهتمام نمایند؛ چون وظیفه‌ی اسلامی است.^۳

اما اگر قرار است زن در جامعه نقشی الهی و اسلامی ایفا کند و همزمان به مانند کج‌راهی غربی (مردواره) نشود، باید از چه مسیری عبور کند؟ راه‌حل این است که بر محور هویت زنانه و خصوصیت فطری مختص به خود، به تأثیرگذاری بر جامعه بپردازد:

زن با نقاط قوت زنانه‌ی خود، که خدای متعال در وجود او به ودیعه گذاشته و مخصوص زن است. همراه با ایمان عمیق، همراه با استقرار ناشی از اتکاء به خداوند، و همراه با عفت و پاکدامنی، که فضای پیرامون او را نورانیت می‌بخشد. می‌تواند در جامعه یک نقش استثنایی این‌گونه ایفا کند. هیچ مردی قادر به ایفای چنین نقشی نیست. مثل کوه استواری از ایمان، در عین حال مثل

۱. بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا علیها السلام، ۱۳ تیر ۱۳۸۶، دسترسی در:

<https://khl.ink/f/3390>

۲. همان.

۳. بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۲۰ اسفند ۱۳۷۵، دسترسی در: <https://khl.ink/f/7284>

چشمه‌ی جوشانی از عاطفه و محبت و احساسات زنانه، تشنگان و محتاجان نوازش را از چشمه‌ی صبر و حوصله و عاطفه‌ی خود سیراب می‌کند.^۱

محور این خصوصیت زنانه، عاطفه و محبت و احساسات رقیق است که هویت و نقش اجتماعی زن را از زن غربی و زن شرقی متمایز می‌کند:

هویت اسلامی این است که زن در عین این که هویت و خصوصیت زنانه خود را حفظ می‌کند، که طبیعت و فطرت است و برای هر جنسی خصوصیات آن جنس ارزش است. یعنی آن احساسات رقیق را، عواطف جوشان را، آن مهر و محبت را، آن رقت را، آن صفا و درخشندگی زنانه را برای خود حفظ می‌کند، در عین حال، هم باید در میدان ارزش‌های معنوی، مثل علم، مثل عبادت، مثل تقرب به خدا، مثل معرفت الهی و سیر وادی‌های عرفان، پیش روی کند، هم در عرصه مسائل اجتماعی و سیاسی و ایستادگی و صبر و مقاومت و حضور سیاسی و خواست سیاسی و درک و هوش سیاسی، شناخت کشور خود، شناخت آینده خود، شناخت هدف‌های ملی و بزرگ و اهداف اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی، شناخت توطئه‌های دشمن، شناخت دشمن، شناخت روش‌های دشمن باید روزبه روز پیشرفت کند و هم در زمینه ایجاد عدل و انصاف و محیط آرامش و سکونت در داخل خانواده باید پیشرفت داشته باشد.^۲

توجه به این وجدان دینی و خصوصیت فطری است که انقلاب اسلامی را به بستر احیای «هویت الهی-اجتماعی زنانه» تبدیل می‌کند و از آن معجزه می‌سازد:

وقتی زن مسلمان به فطرت و به اصل خود برمی‌گردد، چه معجزه عظیمی درست می‌کند! آن چنان که در انقلاب ما و در نظام اسلامی ما بحمدالله مشاهده شد و امروز هم مشاهده می‌شود.^۳

و نمونه‌های بزرگی که باید روایت شود:

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، ۶ دی ۱۳۹۶، دسترسی در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38575>

۲. بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۳۰ شهریور ۱۳۷۹، دسترسی در: <https://khl.ink/f/3024>

۳. بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۲۵ آذر ۱۳۷۹، دسترسی در: <https://khl.ink/f/2645>

زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم به خصوص در همان دوران انقلاب. یعنی آن یک سال و نیمی که حرکت انقلابی عمومی شروع شد. نقش داشتند. زنان یک نقش مؤثر و بی جایگزین داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی این اجتماعات، بلاشک این اجتماعات عظیم و این تظاهرات عظیم، آن اثر را نمی بخشید؛ علاوه بر اینکه در بعضی جاها مثل مشهد ما، اصلاً شروع این تظاهرات، از زنان شد؛ یعنی اولین حرکت عمومی مردمی، یک حرکت زنانه بود. البته مورد تعرض پلیس هم قرار گرفتند. بعد از آن بود که حرکت های مردانه راه افتاد. هم در مبارزات این جور بود، هم در ایفای نقش در تشکیل نظام، هم در دوران به سرعت پدید آمده ی بعد از تشکیل نظام؛ یعنی دوران جنگ... در این دوران سخت، نقش زنان، یک نقش فوق العاده بود؛ نقش مادران شهدا، نقش همسران شهدا، نقش زنان مباشر در میدان جنگ، در کارهای پشتیبانی^۱.

تجربه‌هایی زنانه و موفق که باید در مقیاس‌هایی بزرگ‌تر تکرار شوند:

اگر زنان در حرکت اجتماعی یک ملتی حضور نداشته باشند، آن حرکت به جایی نخواهد رسید؛ موفق نخواهد شد. اگر زنان در یک حرکت حضور پیدا نکنند، یک حضور جدی و آگاهانه و از روی بصیرت، آن حرکت به طور مضاعف پیشرفت خواهد کرد. در این حرکت عظیم بیداری اسلامی، نقش زنان، یک نقش بی‌بدیل است و باید ادامه پیدا کند. زنان هستند که همسران خود را و فرزندان خود را برای حضور در خطرناک‌ترین میدان‌ها و جبهه‌ها آماده می‌کنند و تشجیع می‌کنند. ما در دوران مبارزه با طاغوت در ایران و همچنین بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، برجستگی نقش زنان را به طور واضح و ملموس مشاهده کردیم و دیدیم. اگر در جنگی که هشت سال بر ما تحمیل شد، زنان ما، بانوان کشور ما در میدان جنگ، در عرصه‌ی عظیم ملی حضور نمی‌داشتند، ما در این آزمایش دشوار و پر محنت پیروز نمی‌شدیم. زن‌ها، ما را پیروز کردند؛ مادران شهدا، همسران شهدا، همسران جانبازان، همسران اسرا و آزادگان ما؛ مادران اینها با صبر خود، یک فضایی را در یک منطقه‌ی محدودی به وجود آوردند، که آن فضا جوان‌ها را، مردان را، به حضور مصممانه تشویق می‌کرد، و این در سراسر کشور گسترده شد و گسترده بود. نتیجه این شد که فضای

۱. بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴ دی ۱۳۹۰، دسترسی در: <https://khl.ink/f/18453>

کشور ما یک سره فضای مجاهدت شد، فضای فداکاری و گذشت شد؛ گذشت از جان، و پیروز شدیم. امروز در دنیای اسلام هم همین است؛ در تونس، در مصر، در لیبی، در بحرین، در یمن، در هر نقطه‌ی دیگر. اگر زن‌ها در صفوف مقدم حضور خودشان را تقویت کنند و ادامه بدهند، پیروزی‌ها یکی پس از دیگری نصیب آنها خواهد شد. در این هیچ تردیدی نیست.^۱

مادر شهید، مادر دو شهید، مادر سه شهید، مادر چهار شهید؛ شوخی نیست؛ اینها به زبان آسان می‌آید. بچه‌ی انسان سرما می‌خورد، دو تا سرفه می‌کند، چقدر نگران می‌شویم؟ یک بچه‌ی انسان برود کشته بشود، دومی برود کشته بشود، سومی برود کشته بشود؛ شوخی است؟! و این مادر با همان احساسات مادرانه‌ی سالم و جوشان و پرفوران، آنچنان نقشی ایفا کند که صدا تا مادر دیگر تشویق بشوند بچه‌هاشان را بفرستند میدان جنگ. اگر این مادرها آن وقتی که جنازه‌ی بچه‌هاشان می‌آید یا حتی نمی‌آید، آه و ناله می‌کردند، گله می‌کردند، یقه چاک می‌زدند، اعتراض به امام و اعتراض به جنگ می‌کردند، مطمئناً جنگ در همان سال‌های اول و در همان مراحل اول زمین‌گیر می‌شد. نقش مادران شهدا این است.^۲

در تحلیل این جریان می‌توان از این نکته آغاز کرد که مهم‌ترین عامل ساختاری که جایگاه و هویت زن در نظام اسلامی را تهدید می‌کند، «هویت تحصیل و اشتغال مادی» و لوازم آن است که از تمدن‌مُدرن برخاسته و در عمل، تعریف اعتبار و آبروی اجتماعی را به دست گرفته و در کشور ما نیز به پذیرش رسیده است. این ساختار فراگیر، هویت اصلی و محوری زنان را (همانند مردان) به پذیرفتن مسئولیت در تولید ثروت و افزایش تولید ناخالص ملی تعریف می‌کند و در نتیجه، حریم و تفاوت بین مرد و زن را از بین می‌برد و تساوی جنسیتی را به یک معیار تبدیل می‌کند. در این صورت، جامعه‌ی زنان به خروج از انفعال و نقش‌آفرینی در صحنه رشد فردی و توسعه اجتماعی دعوت می‌شوند تا همپای مردان و از طریق اشتغال، احساس رشد و مشارکت اجتماعی بیابند.

۱. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی»، ۲۰ تیر ۱۳۹۱، دسترسی در: <https://khl.link/f/20388>

۲. بیانات در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴ دی ۱۳۹۰، دسترسی در: <https://khl.link/f/18453>

اما آراستن چنین صحنه‌ای و تنظیم چنین میدانی برای مسابقه چه لوازمی دارد، جز اینکه زنانی که بر اساس ادراکات دینی خود، مادر می‌شوند و به دنبال ایفای نقش در خانواده هستند، در رقابت با مردانی که چنین تعلقات و وظایفی ندارند، قرار بگیرند؟ و همانند دو دهنده‌ای شوند که یکی وزنه‌ای سنگین به پا دارد و دیگری آزاد و رها به پیش می‌رود؟ روشن است که در این طراحی، پذیرش هویت اسلامی با محوریت مادری و همسری، امکان رقابت مادی زنان با مردان را از بین می‌برد، یا سرنوشتی جز شکست برای زنان در پی نمی‌آورد، یا در دنیای پرسرعت سود و بهره‌وری، میزان تأثیرگذاری آنها در کسب ارزش افزوده اقتصادی را کاهش می‌دهد و همواره آنها را از قله‌ها دور می‌کند و به رتبه‌های میانی می‌فرستد.

در مقابل، زنان مسلمان ایران طبعاً علاقه‌مندند تا با رجوع به هویت دینی خود، سدی ایمانی و انسانی در مقابل این سیل ویران‌گر ایجاد کنند، اما عملاً با واقعیتی به نام «فهم سنتی» از دین مواجه می‌شوند که رخنه‌هایی بزرگ در این سد ایجاد می‌کند؛ فهمی از دین که نه تنها تعریف روشنی از تکامل اجتماعی ندارد و مسئولیتی نسبت به آن نمی‌پذیرد و زنان و مردان را برای حضور دینی در این عرصه تنها می‌گذارد، بلکه هویت خانواده و مادری را نیز به صورت منفعل، بریده از تکامل اجتماعی، یک‌طرفه و مطلقاً تحت مولویت مرد تعریف می‌کند. لذا این نوع فهم از دین، ساختاری سنتی و بسیط، اما نسبتاً قدرتمند را به وجود می‌آورد که با خلع زنان از حضور و مشارکت در تکامل اجتماعی و حتی خانوادگی و ایجاد بحران هویتی برای آنان، به لبه دیگر قیچی تبدیل می‌شود و همانند ساختار «اشتغال و تحصیل مادی»، در تنور فرهنگ‌سازی برای تضعیف خانواده و هویت اسلامی زن می‌دمد و آن را پرحرارت‌تر می‌کند.

پس باید پذیرفت که «هویت اسلامی زن با محوریت مادری» از سوی هویت «تحصیل و اشتغال مادی». که یک هویت عینی و کاربردی و اجتماعی است. مورد حمله و هجمه قرار گرفته و از آن جاکه فهم سنتی از دین، مانع تبدیل هویت

مادری به یک هویت اجتماعی و ساختارمند و کاربردی شده و مراجعه مؤمنین برای نسخه عملی جایگزین را بی‌پاسخ گذاشته، منزلت مادری ضربه‌پذیرتر شده و لذا نه تنها عموم جامعه زنان، بلکه بخش قابل توجهی از زنان متشرع نیز علی‌رغم ایمان و اعتقاد به جایگاه و هویت اسلامی زن، انگیزه‌ای برای پی‌گیری این مهم ندارند؛ چون در این صورت ناچارند تحقیر اجتماعی را بپذیرند. بنابراین چالش هویت زن یا تزلزل خانواده را صرفاً نباید یک شبهه معرفتی و اعتقادی دانست؛ بلکه باید آن را در چارچوب یک شبهه عینی و عملی صورت‌بندی کرد تا زمینه برخورد صحیح و مواجهه ساختاری با آن فراهم شود.

بر این اساس، ایجاد هویت اسلامی برای زن، هنگامی امکان عینی پیدا می‌کند که: الف) با تحوّل در الگوی تحصیل و اشتغال مادّی و ب) با تغییر در فهم سنّتی از دین، «نقش مادری در خانواده به عنوان سلول جامعه» و «نقش زن در جامعه»، هویتی «عینی و کاربردی» بر مبنای دین بیابد و متناسب با ویژگی تکوینی مختص به خود، نقشی واقعی در پیشرفت و تکامل جامعه برای آن تعریف شود و منشأ اعتبار و آبروی اجتماعی قرار گیرد. طراحی این هویت اولاً نیازمند توجه به این نکته است که تفاوت تکوینی زن و مرد انکارپذیر نیست؛ بلکه مردان در وصف «اقتدار» و زنان در وصف «عاطفه» دارای بیشترین توانمندی هستند. لذا تعادل انسانی، وابسته به ترکیب متناسب بین این دو وصف است که باید منجر به «تعادل جنسیتی» (و نه تساوی جنسیتی) در خانواده شود. ثانیاً باید توجه داشت که اگر زن دارای عواطف قوی است و نیاز بشر به عواطف مادرانه قابلیت انکار ندارد، نمی‌توان از بروز اجتماعی این واقعیت چشم پوشید؛ بلکه باید پذیرفت که «سرپرستی عواطف اجتماعی»، هم کاری منحصراً زنانه است و هم شدیداً صبغی اجتماعی دارد. در این صورت، انقلاب اسلامی و فهم دقیق آن از دین، به جای آنکه ناجوانمردانه با همان فهم سنّتی از دین یک‌سان شمرده شود، به ابزارهای مفهومی و عینی لازم در جهت تحقق «الگوی سوم زن» (نه شرقی، نه غربی) در خانواده و جامعه دست خواهد یافت.

برای ایجاد تغییر مستدلّ در فهم سنتی از دین، باید توجه داشت که احکام شرعی مربوط به زنان (از عفاف و حجاب تا مادری و همسری و...) گرچه همگی تشریح قدسی و نورانی شارع مقدس شمرده می‌شوند، اما به ظنّ قوی، باید به تبع و ذیل دو حکم اعتقادی دیگر جای گیرند که محور همه احکام است. این دو حکم عبارت است از «توسعه وحدت کلمه و محبت اجتماعی بر محور اسلام» و «درگیری با دستگاه کفر و نفاق برای دفاع از پرستش اجتماعی خدای متعال». با این بیان، تکالیف شرعی به یکسری الزامات فردی که قابل جمع با شرایط اجتماعی کافرانه یا منافقانه هستند، محدود نمی‌شود؛ بلکه ساخت جامعه مؤمنانه و درگیری با مراکز تولید اعتقادات باطل و رفتارهای ناپهناجار، به عنوان حکم حاکم بر همه احکام، به امری عینی و ملموس تبدیل می‌شود که منشأ تغییر و پویایی در روابط اجتماعی است.

در این صورت، همه احکام، از جمله احکام خانواده و جامعه، بر این محور تحلیل شده و به ابزاری برای ارتقای آن وحدت کلمه و پیشبرد این درگیری تبدیل می‌شوند. در نتیجه، هویت خانوادگی و اجتماعی زنان و مردان در مبنای خود، به نقش آفرینی و مشارکت در ساخت و ارتقای دائمی این وحدت اجتماعی و توسعه درگیری با دشمنان آن تعریف می‌شود.

البته برای حرکت به سمت کاربردی کردن این رویکرد نمی‌توان به این تکلیف عمومی و هویت عام اکتفا کرد؛ چون هنگامی که این تکلیف متوجه هر یک از جامعه مردان یا جامعه زنان می‌شود، تعین و خصوصیتی متفاوت پیدا می‌کند تا از این طریق، تفاوت‌های تکوینی بین این دو جنس رعایت شده باشد. کما اینکه در یک درگیری نظامی نیز گرچه همه بخش‌های یک لشکر، هدفی جز پیروزی و عقب‌راندن دشمن ندارند، اما هر یک از بخش‌ها از نیروی انسانی و تجهیزات مکانیزه تا توپخانه و مخابرات و... وظیفه‌ای متفاوت بر دوش دارند که به دلیل سنخ و ماهیت و ساختار مختلف آن‌ها، از بخش دیگر بر نمی‌آید. لذا باید پذیرفت

که مردان و زنان در دفاع از وحدت کلمه اسلام در برابر طاغوت‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، نقش و هویت و وظیفه‌ای بر عهده دارند که تحقق آن توسط جنس مخالف ممکن نیست.

برای بیان این تفاوت می‌توان این گمانه را برجسته کرد که بر حسب قابلیت‌های تکوینی، مردان مظهر قدرت‌ورزی و اقتدار و زنان مظهر مهرورزی، عطوفت و ظرافت هستند و همان‌طور که در تغییرات اجتماعی، مدیریت عزم‌ها و اراده‌ها و تجمیع قدرت‌ها لازم است، مدیریت عاطفه‌ها و متمرکز کردن آن‌ها در موضوعات خاص نیز ضرورت دارد؛ یعنی هویت کاربردی زن و خانواده، بر محور «رهبری عواطف اجتماعی» برای ایجاد وحدت کلمه بین مؤمنین و تقابل با دستگاه طواغیت شکل می‌گیرد که از مدیریت عواطف جامعه زنان (مدیریت زن بر زن) آغاز می‌شود و با تأثیرگذاری بر عواطف کل جامعه امتداد می‌یابد. کما اینکه در خانواده نیز «کفویت ایمانی» بر همین اساس بازتعریف می‌شود و همان‌طور که هویت مرد به تبع نقش و میزان تأثیر در درگیری بین نظام کفر و نظام ایمان شکل می‌گیرد، توّلی زن به ولایت مرد نیز نه به صورت مطلق، بلکه بر محور این درگیری و نقش عاطفی او در این عرصه معنا می‌یابد.

متناسب با این تحلیل است که می‌توان احتمال داد ملقب شدن حضرت صدیقه طاهره علیها السلام به «سیده نساء العالمین من الاولین و الآخین» نیز ناظر به مقام سیادت بر جامعه زنان و رهبری عواطف آنان در طول تاریخ است؛ کما اینکه این رهبری و سیادت را در زمان خود محقق کردند و با شکستن معیارهای مادّی و جاهلی حاکم بر زنان مدینه، رهبری آنان را به دست گرفتند و عواطف آنان را در جهت پشتیبانی از نهضت نبوی هدایت فرمودند و با ایثار و زهد معجزگون خود، روحیه همراهی و صبر و مقاومت را در برابر عوارض مختلف جنگ‌های پرشماری که در مدت ده سال از حکومت نبوی رخ داد، به بانوان مدینه منتقل کردند. عظمت این کارهای مقدس به‌گونه‌ای است که با گذشت قرن‌ها، قلب و روح

زنان مسلمان ایران را نیز فتح کرد و بانوان نمونه ایرانی نیز به آن اقتدا کردند و با فداکاری در برابر فشارهای ناشی از انقلاب و دفاع مقدس، ابتدا عموم زنان جامعه را در مسیر حضرت امام رحمة الله عليه قرار دادند و سپس از این طریق، تأثیر عاطفی بزرگی بر مردان ایران و کل جامعه برجای گذاشتند تا جمهوری اسلامی در برابر طوفان هجمه‌ها و حمله‌های ابرقدرت‌ها باقی بماند.

انقلاب اسلامی توانست وجدان فاطمی زنان ایران را به عرصه عمل بکشد و برای آنها «هویت عینی و کاربردی» ایجاد کند؛ چرا که حضرت امام رحمة الله عليه محور حرکت و رشد و تکامل جامعه ایران را وحدت کلمه در درگیری با کفر جهانی قرار دادند و دفاع مقدس را - علی‌رغم اینکه عرصه‌ای نظامی بود - به ابزاری برای ایجاد و ابداع این هویت فرهنگی تبدیل کردند؛ هویتی که هنوز پس از چند دهه، به آن افتخار و از آن الگوگیری می‌شود.

در دوران حاضر نیز که به تصریح مقام معظم رهبری مهم‌ترین مواجهه کفر جهانی با نظام اسلامی در «عرصه اقتصاد» و «تبلیغات» رقم خورده، باید با ارائه بصیرت اقتصادی و فرهنگی نسبت به اقتصاد سرمایه‌داری و محتوای تبلیغات غربی و کیفیت هجمه‌ی آن به اقتصاد و فرهنگ جمهوری اسلامی، هندسه جدیدی از نحوه مقابله با جنگ اقتصادی و تبلیغاتی دشمنان ترسیم شود و بر این اساس، فضای جدیدی برای مقابله عاطفی با تهدید اقتصادی و تبلیغاتی خارجی و داخلی برای جامعه زنان فراهم بیاید و جایگاه نوینی برای عواطف در اقتصاد و تبلیغات ملی تعریف گردد تا احساس هویت عینی و کاربردی برای بانوان ممکن شود. در این صورت، دفاع مقدس اقتصادی و تبلیغاتی، همانند دفاع مقدس نظامی به عرصه‌ای برای احساس حضور و مشارکت انقلابی زنان تبدیل خواهد شد و در نتیجه، نهادها و ساختارهای فرهنگ‌ساز جدیدی پدید خواهد آمد که قدرت ساختارهای مادی و سنتی را کاهش خواهد داد و زمینه‌ای واقعی برای تحقق «الگوی سوم زن» و فرهنگ‌سازی نسبت به هویت اسلامی زن را ایجاد خواهد

کرد. در واقع تا «هویت زن مسلمان» تبدیل به یک هویت کاربردی و ارزش اجتماعی (و نه صرفاً اعتقادی و فردی) نشود، نمی‌توان عموم جامعه زنان را با صرف نصیحت و موعظه و تکیه به امور اعتقادی، به پذیرش و عمل به آن تحریک کرد؛ چراکه هجمه‌های ساختاری و عوامل فرهنگ‌ساز بر ضد این هویت، میدان و امکان عمل را تا حدود زیادی از آنان سلب می‌کند.

بنابر آنچه بیان شد، می‌توان گفت: ویژگی فطری زنان، قدرتی است که زیر غبار مردسالاری سنتی و مردسالاری مدرن، پنهان شده است. این توانمندی پنهان، از عاطفه‌ی آنها نشأت گرفته و اسلام به دنبال آشکار کردن آن است تا هویت اجتماعی الهی برای زنان، بر محور عاطفه شکل بگیرد؛ هویتی که با نگاهی دقیق به سیره زنان برتر در قرآن و روایات، آشکارتر شده و موجب مدیریت عواطف اجتماعی می‌شود. این چارچوب مفهومی، اثرپیش‌روی شما را با این عنوان پدید آورده است:

«قدرت پنهان؛ بازخوانی سیره حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف اجتماعی».

این کتاب، در تناسب با شب‌های مراسم فاطمیه، در پنج مجلس تنظیم شده است که خلاصه‌ی هریک از این مجالس در ادامه می‌آید:

مجلس اول

از «سیده نساء العالمین» تا «رهبری جامعه زنان»

نگاهی نو به سیره حضرت زهرا علیها السلام در رهبری جامعه زنان

«سیده نساء العالمین من الاولین و الآخیرین» به عنوان لقب حضرت زهرا علیها السلام می‌تواند به معنای «رهبری جامعه زنان در طول تاریخ» باشد؛ منصبی که صدیقه طاهره علیها السلام آن را از چنگ معیارهای مادی زنان قریش آزاد کرد و در اوج آن قرار گرفت. نمونه‌ای از این حقیقت، در کلام حضرت با زنان مدینه و اثر آن بر بزرگان مهاجر و انصار، دیده می‌شود. در واقع بانوان حتی اگر مطلقاً پرده‌نشین باشند، باز هم با

جامعه زنان در ارتباطند و از این طریق، در مواجهه با فضای جامعه قرار می‌گیرند و از آن تأثیر می‌پذیرند. پس اگر توانمندی روحی، فکری و عملی برای تأثیرگذاری الهی بر جامعه بانوان نداشته باشند، ناچاراً تحت تأثیر عرف و ارزش‌های مادی قرار می‌گیرند. بنابراین نباید آنها را در مقام بزرگ مادری و همسری منحصر کرد؛ بلکه باید بر اساس اسلام، هویتی اجتماعی برای آنان در نظر گرفت که این مهم، از رهبری جامعه زنان و هماهنگ‌سازی آنان بر محور کلمه توحید آغاز می‌شود و تا تأثیرگذاری بر کل جامعه امتداد می‌یابد. با این تصویر دقیق، شخصیت زن ایرانی و اسلامی، از زن شرقی (پرده‌نشینی مطلق) و زن غربی (تحصیل و اشتغال مادی) متمایز می‌شود و «الگوی سوم زن» به تدریج جلوه می‌کند. سرمایه ما برای آغاز این حرکت، جمع‌های زنانه بر محور محبت اهل بیت علیهم‌السلام است که جای جای ایران را پر کرده، اما به ارتقای سطح آن توجهی نمی‌شود.

مجلس دوم

رهبری جامعه زنان؛ از «مدیریت عواطف اجتماعی» در اسلام تا «مردوارگی زن» در غرب

بررسی انتقادی هویت اجتماعی زن غربی

رفتارهای موج‌آفرین و جریان‌ساز حضرت صدیقه طاهره علیها‌السلام در حمایت از نهضت نبوی، عاملی مهم در مدیریت ایشان بر جامعه زنان مدینه بود که یک نمونه‌ی آن، موجب هدیه‌ی بزرگ الهی به ایشان در قالب «تسبیحات حضرت زهرا علیها‌السلام» شد. اما این رفتارها و تأثیرگذاری‌های اجتماعی بر اساس «عاطفه، محبت، ظرافت و رقت» انجام می‌گرفت؛ چراکه در میان خصوصیات تکوینی زنان، این روحیه است که نقشی محوری دارد؛ همان‌گونه که در میان خصوصیات تکوینی مردان، «اقتدار» است که خودنمایی می‌کند. پس می‌توان گفت که نقش اجتماعی زن مسلمان، «مدیریت عواطف اجتماعی» است که از بسیج عاطفی زنان آغاز می‌شود و به تحریک عاطفی کل جامعه می‌انجامد.

غرب گرچه مدعی ایجاد هویت اجتماعی برای زن است و از این رهگذر، برخی

زنان مسلمان ایرانی را نیز با خود همفکر و همراه کرده، اما واقعیت آن است که هویت اجتماعی غربی برای زن، ویژگی عاطفه را پایمال می‌کند و باعث «مردوارگی» در بانوان و تشبیه زنان به مردان می‌شود و به فطرت رقیق آنان ضربه‌ای اساسی وارد می‌کند و زنانگی آنها را نادیده می‌گیرد و همان تحصیل و اشتغال مردانه را برای زنان تجویز می‌کند. اما توجه به سیره مخدراتی همچون حضرت هاجر، که با عاطفه خود، مبدأ شکل‌گیری شهر مکه به عنوان مرکز عبادت در زمین شد. نشان می‌دهد که برای نقش‌آفرینی زن در جامعه، نیازی به تحصیل و اشتغال متداول در غرب نیست و «مدیریت عواطف اجتماعی» می‌تواند جایگزین این مردسالاری مدرن شود. زنان شرکت‌کننده در جمع‌های مذهبی بانوان می‌توانند با اقتدا به نقش مدنیت‌ساز حضرت هاجر، هویت محله‌ها و شهرها را بر محور دفاع از کلمه توحید بازآرایی کنند و با مدیریت عاطفه در اقوام و همسایگان و محله، مرکزی برای جهاد تبیین در منطقه خود باشند.

مجلس سوم

از «پرده‌نشینی» تا «مدیریت عواطف اجتماعی»

بررسی انتقادی رویکرد سنتی به نقش زن در جامعه

خطبه فدکیه در فرازهای مختلف آن، نمونه‌ی بارزی از تسلط تامّ صدیقه طاهره عَلَيْهَا السَّلَام بر روابط اجتماعی جامعه مدینه است؛ جامعه‌ای که در برابر فداکاری‌های عظیم آن بانوی بزرگوار سر تعظیم فرود می‌آورد. گذشت حضرت از حداقل سهمی که از غنائم برای ایشان بود و اکتفا به کمترین امکانات زندگی، جامعه زنان را مبهوت و منفعل و سپس همراه می‌کند و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در واکنش به این رفتارها، ندای «فداها ابوها» سر می‌دهد. توجه به این جایگاه اجتماعی برای زنان و تطبیق آن با مسائل امروز، دمیدن دشمن بر تنور فقدان نقش اجتماعی برای زنان مسلمان را کم‌اثر می‌کند و به زنان دین‌دوست، احساس هویت و حضور و مشارکت و تأثیرگذاری اجتماعی بر مبنای دین می‌بخشد.

در مقابل، تفکر سنتی چنین نقشی را نمی‌پذیرد و با استناد به روایاتی مانند «إِنَّ تَلْمِزَ قَعْرِ بَيْنَهُمَا»، نقش اجتماعی زن را به موارد اضطرار محدود می‌کند. البته دغدغه این رویکرد برای جلوگیری از اختلاط و تحریک جنسی صحیح است، اما این نگرانی ناشی از هویت اجتماعی زن غربی است؛ وگرنه مدیریت عواطف همراه با بروز حیا، عفت، عطوفت و محاسن اخلاقی است، نه تبرج به شهوات. این تفکر ناقص باید به نگاه جامع فقیهانه به همه منابع وحیانی بپردازد و در برابر آیاتی مانند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» و «إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ...» پاسخگو باشد.

نکته‌ی دیگر این است که آرایش دشمن تغییر کرده و پس از قرن‌ها تحقیر زن، او را به میدان آورده و با تمام نیروی انسانی خودف اعم از زن و مرد، به کلمه توحید حمله‌ور است. در چنین شرایطی نمی‌توان مقابله با دشمن و دفاع از کلمه توحید را فقط به نیمی از جامعه (مردان) محدود کرد و از «حفاظت از کیان اسلام با همه توان» غفلت نمود؛ لذا بر فرض پذیرش نظریه اضطرار، حضور زنان مؤمنه برای دفاع از اسلام در جنگ فرهنگی و اقتصادی، از اهم مصادیق اضطرار است؛ کما این که سیره مخدراتی چون والده حضرت موسی و جناب آسیه و ماشطه (آرایشگر) آل فرعون که عطوفانه در میدانی اجتماعی وارد شدند و شدیدترین درگیری‌ها با بزرگ‌ترین طواغیت رارقم زدند، نشان‌دهنده‌ی نقص رویکرد فوق در فهم از دین است.

جمع‌های زنانه، پس از آنکه با عواطف خود، محله یا شهر را منقلب کردند، می‌توانند در تعیین نمایندگان زن برای انتخابات شوراها و مجلس نقش داشته باشند و با کنار زدن لیست‌های جناحی که به صورت تزئینی از زنان استفاده می‌کنند، موجی از همکاری زنان و ترمیم شکاف بین آن‌ها برای انتخاب گزینه‌های معقول و سالم به راه بیندازند و تأثیرگذاری عاطفی بر تصمیم‌گیری‌ها را پایه‌گذاری کنند.

مجلس چهارم

انقلاب اسلامی ورستاخیز «مدیریت عواطف اجتماعی»

بازخوانی نقش انقلاب اسلامی در احیای هویت اجتماعی زن مسلمان

برای برخی زنان، عواطف به معنای تأثیر گرفتن از شرایط سخت و کم‌طاقتی در برابر محدودیت امکانات است؛ اما حضرت زهرا علیها السلام عواطف خود را بر محور اراده الهی تنظیم و مدیریت می‌کرد و در برابر فقدان حداقل نیازهای اضطراری، نه تنها بی‌تابی نمی‌کرد، بلکه عطوفت خود را به ابزاری برای پشتیبانی از نهضت نبوی تبدیل کرد.

بانوی دو عالم با تحمل گرسنگی خود و فرزندانش، اندک غذای باقی‌مانده را به امیرالمؤمنین علیه السلام اختصاص می‌داد تا بازوی نظامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کار نیفتد و در نتیجه، با نزول مائده آسمانی مواجه می‌شد و با این ایثارهای معجزگون، موج اجتماعی به راه می‌انداخت و الگوی مصرف اهل دنیا را در هم می‌شکست. حضرت فاطمه علیها السلام فضا را برای درگیری با قطب تجاری حجاز فراهم کرد و جامعه را در مسیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیج نمود. حضرت مریم علیها السلام نیز به عنوان یک بانوی مقدس حاضر شد تا برای پیشبرد امر الهی، سرمایه حیا و تقدس و پاکی خود را در معرض تهمت بنی اسرائیل قرار دهد، اما از این طریق و با در آغوش کشیدن نوزادی که سخن می‌گفت، قداست دروغین علمای یهود را درهم بشکند و تحریف و تأویل و بدعت آن‌ها را رسوا سازد. چنین عواطفی که تأثیراتی بزرگ بر جامعه می‌گذارد و بزرگ‌ترین قدرت‌ها را به چالش می‌کشد، هم مانع درافتادن «اقتدار» در وادی تندی و خشونت می‌شود و هم در هماهنگی با آن، از ضعف و انفعال دوری می‌جوید. این الگو ترکیب متعادلی از «عاطفه و اقتدار» را در خانواده و جامعه رقم می‌زند. این هویتی است که در وجدان دینی بانوان، مکتوم مانده بود و توسط انقلاب اسلامی احیا شد و مواجهه جمهوری اسلامی با طواغیت زمان در ایران و جهان، بستری برای رشد زنان در جهت مدیریت عواطف ایجاد کرد که نمونه آن، در رفتار مادران

و همسران شهدا، به خوبی قابل دیده می‌شود؛ زانی که نه تنها از داغ عزیزشان منفعل نشدند، بلکه با تأکید بر دفاع از اسلام، دیگر مردان را نیز به غیرت آوردند و به صحنه جهاد فرستادند و زندگی و حریم خصوصی خانه خود را به محلی برای هماهنگی‌های زنانه در جهت پشتیبانی از جبهه تبدیل کردند.

بانوان انقلابی عملاً بستری برای پرورش دینی فرزندان خود فراهم نمودند. امروز نیز زنان متدین ما باید در عرصه جنگ اقتصادی دست به قیام عاطفی بزنند و با شکستن الگوی مصرف غربی که گریبان ارزش پول ملی را گرفته، صحنه‌های جدیدی از فداکاری رقم بزنند و با پویش‌هایی چون: عدم خرید و استفاده از کالاهای خارجی، کالاهای وارداتی که ارز بسیاری از کشور خارج می‌کنند و حتی تبدیل تجمعات زنانه به فضاهای تولیدی متناسب با روحیات بانوان و مطالبه تغییر الگوی تولید بر این اساس، گام در راه امتداد نهضت فاطمی بگذارند.

مجلس پنجم

**مدیریت عواطف اجتماعی؛ از «مصدق‌یابی» تا «نهادسازی»
راهکارهای تحقق و توسعه «مدیریت عواطف اجتماعی»**

فرزندان کوچکی که معمولاً حتی تحمل یک ساعت گرسنگی برای آن‌ها سخت است، وقتی سه روز روزه باشند و اندک افطاری خود را نیز به مسکین و یتیم و اسیر کافر ببخشند، تکیه بر عواطف و تربیت مادری دارند که امکانات دنیوی را تحقیر کرده و آخرت را تعظیم نموده و فریاد زده:

«فسوف اعطیه و لا ابالی و اوثر الله علی عیالی
امسوا جیاعاً و هم اشبالی اصغرهما یقتل فی القتال»

این مادر علی‌رغم دلسوزی برای فرزندان، تصمیم گرفته تا اراده خدای متعال برای نشان دادن قله‌های ایثار و انسانیت را. حتی در برابر اسیر کافر. عملی کند و منشأ نزول سوره انسان. که گویا به تعریف انسان در مکتب اسلام پرداخته

قرار گیرد و کتاب خدا را تا روز قیامت با نور خود زینت بخشد. این فقط رهبری جامعه زنان مدینه نیست؛ بلکه رهبری زنان در همه دوران‌هاست. لذا یک سوره از معجزه خالده و تاریخی خدای متعال، به آن اختصاص یافته تا خدای متعال، حادثه‌سازی و عرف‌شکنی حضرت زهرا (رضیه‌الله‌عنه‌وآلها‌وسلم‌وعلیها‌وسلم) و خانواده او را الگو قرار دهد و سهم زنان در انسانیت انسان را نشان دهد و با تکیه بر رفتار حضرت زهرا (رضیه‌الله‌عنه‌وآلها‌وسلم) موج خبری در جامعه و تاریخ به راه بیندازد. به همین دلیل است که زنان مؤمنه هر جا فرصت یافتند، شعاع کوچکی از این خورشید بزرگ شدند و حضرت امام (رضی‌الله‌عنه‌وآلها‌وسلم) با همراهی زنان ایران، آئینه‌گردان این نور شد. امام با بسیج ملت در درگیری با طواغیت، اقتدار مردان و عواطف زنان را به مشارکت طلبید و استبداد ۲۵۰۰ ساله را از هم پاشید و آتش جنگ هشت ساله شرق و غرب را خاموش کرد و هویتی اجتماعی بر مبنای اسلام رقم زد.

احساس هویت و قدرت و مشارکت باعث شد که زنان علی‌رغم زندگی در عصر نکبت‌بار و فاسد پهلوی، با رغبت و سرعت به سمت مظاهر این هویت، یعنی حجاب حرکت کنند. امروز نیز اگر موضوعات جنگ فرهنگی و اقتصادی به صورت متعین و روشن بیان شود و زنان جامعه بر محور دفاع از اسلام وارد مدیریت عاطفی نسبت به این موضوعات و عبور از گلوگاه‌های آن شوند، به فتوحاتی خواهند رسید که احساس هویت ایمانی برای زن را زنده خواهد کرد و به تدریج شکاف باحجاب و کم‌حجاب را کاهش خواهد داد و بستری دینی برای تربیت فرزندان فراهم خواهد کرد.

مصادیق امروزی مدیریت عواطف در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی که بر محور مقابله با فشارهای کفر و نفاق معین می‌شود، فتح بابی خواهد بود برای شکل‌گیری نهاد «مدیریت عواطف اجتماعی» و خلع سلاح دشمن در موضوع زن و ایجاد انسجام ایمانی در مسئله بانوان.

مجموعه حاضر به سفارش اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی و بهره‌گیری از مشورت‌های حجج اسلام محمد جنتی، محمدهادی صالح‌پرور، حسین یوسفیان و رضا زندوکیلی و با تلاش گروه تولید محتوای حسینیه اندیشه تألیف شده است.

در اینجا از تمام پژوهشگران عزیزی که ما را در تولید این مجموعه گران‌سنگ یاری کرده‌اند، صمیمانه قدردانی می‌کنیم؛ حجج اسلام روح‌الله صدوق عارف، احمدزیبایی نژاد، محمدصادق حیدری، حسن صدوق عارف.

واحد راهبری محتوای تبلیغی
اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی

مجلس اول

از «سیده نساء العالمین» تا
«رهبری جامعه زنان»

(نگاهی نوبه سیره حضرت زهرا علیها السلام در رهبری جامعه زنان)

«سیده نساء العالمین من الأولین و الآخین»^۱ به عنوان لقب حضرت زهرا علیها السلام می‌تواند به معنای «رهبری جامعه زنان در طول تاریخ» باشد؛ منصبی که صدیقه طاهره آن را از چنگ معیارهای مادی زنان قریش آزاد کرد و در اوج آن قرار گرفت. نمونه این واقعیت، در کلام حضرت با زنان مدینه و اثر آن بر بزرگان مهاجر و انصار قابل مشاهده است. در واقع بانوان حتی اگر مطلقاً پرده‌نشین باشند، باز هم با جامعه زنان در ارتباط هستند و از این طریق در مواجهه با فضای جامعه قرار می‌گیرند و از آن تأثیر می‌پذیرند. اگر بانوان توانمندی روحی، فکری و عملی برای تأثیرگذاری الهی بر جامعه بانوان نداشته باشند، ناچاراً تحت تأثیر عرف و ارزش‌های مادی قرار می‌گیرند؛ بنابراین نباید آنها را در مقام بزرگ مادری و همسری منحصر کرد؛ بلکه باید بر اساس اسلام، هویتی اجتماعی نیز برای آنان در نظر گرفت که این مهم، از رهبری جامعه زنان و هماهنگ‌سازی آنان بر محور کلمه توحید آغاز می‌شود و تا تأثیرگذاری بر کل جامعه امتداد می‌یابد. به این صورت، تصویر دقیق زن ایرانی و اسلامی از زن شرقی (پرده‌نشینی مطلق) و زن غربی (تحصیل و اشتغال مادی) متمایز می‌شود و «الگوی سوم زن» به تدریج جلوه می‌کند. سرمایه ما برای آغاز این حرکت، جمع‌های زنانه بر محور محبت اهل بیت علیهم السلام است که جای جای ایران را پر کرده؛ اما به ارتقاء سطح آن توجهی نمی‌شود.

۱. محمد بن علی صدوق (ابن بابویه)، محمد باقر کمره‌ای، *الأمالی*، ص ۴۸۶؛ محمد بن علی عمادالدین طبری عاملی، *بشارة المصطفی*، ص ۱۹۷؛ شاذان بن جبرئیل قمی، *الفضائل*، ص ۸؛ محمد باقر مجلسی، محمد باقر محمودی و دیگران، *بحار الانوار*، ج ۹۷، ص ۱۹۵؛ محمد بن حسن حر عاملی، شهاب‌الدین مرعشی و دیگران، *إنبات الهداة*، ج ۲، ص ۷۵؛ محمد بن علی صدوق (ابن بابویه)، علی اکبر غفاری، *کمال‌الدین*، ج ۱، ص ۲۵۶؛ محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، مهدی انصاری قمی، *نوادیر الأخبار*، ص ۱۶۱؛ حسن بن محمد دیلمی، *إرشاد القلوب*، ج ۲، ص ۲۹۵.



اثر آتشین یک گفتگو

آنچه در کتب مختلف روایی نقل شده و معروف است، این است که حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بیان سنگین و عمیقی با زنان مدینه داشتند. هنگامی که زنان مدینه برای عیادت از حضرت و احوال‌پرسی، خدمت ایشان رسیدند، خطاب به آنها جملاتی بسیار سنگین، معجزگون و پرمضمون (همانند خطبه فدکیه که بحث آن مفصل است) بیان فرمودند. موضوع گفتگوی ما توضیح این خطابه غزا نیست، بلکه می‌خواهیم به تأثیر این خطابه که در انتهای این روایت ذکر شده؛ توجه دهیم؛ تأثیری که معمولاً توجهی به آن نشده است.

معروف است که وقتی درد حضرت شدید شد و بیماری بر ایشان غلبه کرد، گروهی از زنان مدینه خدمت صدیقه طاهره علیها السلام رسیدند و از حضرت پرسیدند: **«كَيْفَ أَصْبَحْتَ مِنْ عِلَّتِكَ يَا ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ؟»**؛ احوالتان چطور است و شب را چگونه و با چه حالی صبح کردید؟ حضرت از احوالات جسمی و ضربه‌ها و صدمه‌هایی که به ایشان زده بودند، سخنی نفرمودند؛ بلکه با بیانی توحیدی و به شدت سرزنش‌بار

۱. علامه محمد باقر مجلسی، تصحیح: محمد باقر محمودی و دیگران، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۹ و ۱۶۱؛ محمد باقر موحد ابطی اصفهانی، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۳۲ و ۸۸۹؛ احمد بن علی طبرسی، محمد باقر موسوی خراسان، الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸؛ ابن بابویه، محمد بن علی؛ مصحح: غفاری، علی اکبر؛ معانی الأخبار؛ ص ۳۵۴ و ۳۵۵؛ احمد بن ابی طاهر، بلاغات النساء، ص ۳۲.

فرمودند: «أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَاكُنَّ، قَالِيَةً لِرِجَالِكُنَّ»؛^۱ در حالی شب را صبح کردم که از دنیای شما بیزارم؛ از مردانتان بغضی شدید در دل دارم. «لِنَفْطُهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ»؛^۲ به دور افکندمشان پس از آنکه آنها را آرمودم؛ «وَسَيَأْتِيهِمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ»^۳ آنگاه که سیرت و احوالشان را فهمیدم با آنها دشمن شدم.

عبارت‌های حضرت پر از توبیخ و سرزنش است. ایشان در ادامه می‌فرماید: «فَقُبْحًا لِقَوْلِ الْحَدِّ وَاللَّعِبِ بَعْدَ الْحَدِّ وَقَزَعِ الصَّفَاةِ وَصَدْعِ الْقِنَاةِ وَخَطْلِ الْأَرْءِ وَزَلْلِ الْأَهْوَاءِ»؛^۴ چقدر زشت است گندی شمشیرهای مردانتان و ناتوانی نیزه‌های‌شان در دفاع از حق و فساد آراء و انحراف انگیزه‌های‌شان.

این عبارات در استحکام و بلاغت هم‌شأن و هم‌وزن کلام امیرالمؤمنین عليه السلام است؛ چنان‌که در روایات آمده است اگر امیرالمؤمنین عليه السلام نبود، هم‌شأن و کفوی روی زمین برای صدیقه طاهره عليها السلام وجود نداشت. این هم‌شأنی را در بیان ایشان هم می‌بینیم که بعد از قرن‌ها لرزه بر اندام بشر می‌اندازد و دودمان نفاق را بر باد می‌دهد: «فَقُبْحًا لِقَوْلِ الْحَدِّ وَصَدْعِ الْقِنَاةِ...». سپس آیات قرآن را بر کلام‌شان تطبیق می‌دهند: «لَيْسَ مَا قَدَمْتَ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ»^۵ و اینگونه، آیات خلود در عذاب را بر مردان آنان تطبیق می‌دهد.

گذشته از این توصیفات و تعابیر زیبا و محکم، فراز پایانی این روایت مهم است که در بسیاری از کتاب‌ها نقل نشده یا به آن توجه نکرده‌اند؛ اما مرحوم طبرسی رحمته الله عليه در الإحتجاج^۳ این کلام را نقل کرده است. من با تأثیر این کلام و حقائق نهفته در آن کار دارم و می‌خواهم افتتاحی بشود برای بحثی که قصد داریم در این مجموعه بحث تقدیم کنیم.

راوی می‌گوید: بعد از آنکه سخن حضرت تمام شد، (فأعادت النساء قولها عليها السلام

۱. همان.

۲. مائده، ۸۰.

۳. احمد بن علی طبرسی، محمد باقر موسوی خراسان، الإحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۸.

علی (رجاله) زنان مدینه فرموده‌های صدیقه طاهره علیها السلام را که تماماً توبیخ و حمله و هجمه به نفاق آن مردان و جامعه نفاق زده بود، برای مردانشان تکرار کردند. تأثیر را ببینید! در جامعه‌ای که زن در آن تحقیر می‌شود - گرچه نهضت نبوی آن رسوم جاهلیت را کنار زده، اما مردسالاری و تحقیر زن در این جامعه هم چنان برقرار است - وقتی زن‌های مدینه کلام حضرت را برای مردانشان نقل کردند، «فجاء إليها قوم من وجوه المهاجرین و الأنصار» بزرگان مهاجر و انصار در حالت عذر و بهانه جویی و محکومیت خدمت صدیقه طاهره علیها السلام رسیدند و گفتند: «یا سَیِّدَةَ النَّسَاءِ لَوْ كَانَ أَبُو الْحَسَنِ ذَكَرَ لَنَا هَذَا الْأَمْرَ قَبْلَ أَنْ يُبْرِمَ الْعَهْدَ، وَ يُحْكَمَ الْعُقْدُ مَا عَدَلْنَا عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ»؛ اگر ابوالحسن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام این امر را به ما یادآوری می‌کرد، ما به غیر او عدول نمی‌کردیم! البته دروغ می‌گفتند. چون امیرالمؤمنین همراه با فاطمه زهرا شب‌ها به در خانه اینها می‌آمد تا برای حقانیت خود از آنها اعتراف بگیرد؛ اما حالا بهانه می‌آورند. می‌گویند: اگر علی قبل از اینکه قضیه بیعت محکم شود و قرارداد قطعی بشود، به ما یادآوری می‌کرد، ما او را انتخاب می‌کردیم! حضرت به شدت تحقیرشان کرد و فرمود: «إِلَيْكُمْ عَنِّي فَلَا عُدْرَ بَعْدَ تَعْدِيرِكُمْ وَلَا أَمْرَ بَعْدَ تَفْصِيرِكُمْ»؛ دور شوید! بعد از اینکه بر شما حجت را تمام کردیم، عذری را نمی‌پذیریم.

رهبری جامعه زنان و موج‌آفرینی اجتماعی

این کلام، در چنین جامعه‌ای چه حقیقتی را به ما نشان می‌دهد؟ این کلام وقتی به واسطه زنان به جامعه منتقل شود، ببینید چه‌طور مبدأ و مرکز قدرت را در جامعه به هم می‌ریزد! تأثیر این کلام حاکی از یک واقعیت بزرگ مغفول است و آن، منصب رهبری جامعه زنان برای صدیقه طاهره علیها السلام است. یعنی ایشان رهبر جامعه زنان بودند که کلامشان چنین اثری گذاشت. اگر حضرت دائماً در خانه می‌ماندند و مشغول و متمرکز و متمحض در فرزندآوری و تربیت فرزند و

۱. همان.

همسرداری بودند و هیچ جایگاه اجتماعی‌ای نداشتند، جامعه و بزرگان مهاجرین و انصار ناگهان چنین واکنشی نشان نمی‌دادند. اما ایشان چنین منزلتی برای خود ایجاد کردند. در واقع صدیقه طاهره عَلَيْهَا السَّلَامُ رهبری جامعه زنان - که هویت و توانایی‌شان به دلسوزی و عواطف و مهربانی و ظرافت است - را به دست داشتند و از این طریق، بر کل جامعه تأثیرگذار بودند. وقتی این زنان از این حرکت و منزلت و کلام تأثیر گرفتند، آنگاه مردان را نیز به حرکت درمی‌آوردند؛ به گونه‌ای که آن بزرگان مهاجرین و انصار را که در مقابل آن فجایع و جنایات‌ها سکوت کرده بودند در موضع بدهکاری و اعتذار و بهانه‌تراشی و توجیه قرار می‌گیرند. بنابراین، جامعه زنان و از آن طریق جامعه مردان را تکان دادند و به خروش آوردند و غیرتشان را برانگیختند؛ چنین منزلتی داشتند.

این سؤال فراوان پرسیده می‌شود که: نقش سیاسی و اجتماعی حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ چه بود؟ البته ایشان خطبه فدکیه را خواندند؛ اما این سخنان موقعی اثر دارد که آن منزلت رهبری را برای خودشان ایجاد کرده و رهبر جامعه زنان شده باشند؛ حتی در همان جامعه‌ای که زنان را تحقیر می‌کنند. این یک واقعیت است، گرچه ناپیدا باشد. این جامعه زنان را حضرت به سمت آرمان نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نهضت نبوی و بعد به سمت ولایت علوی هدایت می‌کنند؛ برانگیختن این عواطف و هماهنگ کردن جامعه زنان و بعد تأثیر آن در کلیت و برابند جامعه و به خروش و غیرت درآوردن مردان. اینکه «سیده نساء العالمین» گفته شده، تعارف که نیست، جبر هم نیست که خدای متعال فرموده باشد: خب حالا ما از بین این همه زن‌هایی که آفریدیم، یکی را باید رئیس کنیم؛ نعوذ بالله تعالی عن ذلك. این سیده نساء العالمین یعنی سیادت بر همه زنان. چرا چنین مقامی عطا فرموده؟ چون مصائب این مقام را به دوش کشیده و مراحلش را طی کرده و لوازمش را به جا آورده و این منصب را برای خود ایجاد کرده؛ با رفتارهایی که در جامعه داشته؛ با زهد و یقین و تقوا و مجاهده خود، زنان جامعه را متأثر کرده و به دنبال خود به سمت آرمانی که نهضت نبوی داشته، کشانده است. نهضت نبوی بدون همراهی جامعه زنان

در آن جنگ‌های متعدد و خطرناک ممکن بود؟ با قطب تجاری منطقه که مکه بود، درافتد و در سنگین‌ترین فشارهای اقتصادی قرار بگیرد، آیا این بدون آن زهدای جریان‌ساز و منفعل‌کننده صدیقه طاهره علیها السلام ممکن بود؟

پس یک هماهنگی درونی در جامعه زنان بر محور قدرت اسلام شکل گرفت که بعد بر جامعه مردان اثر گذاشت و آنها را به غیرت و جوش و خروش و حمیت الهی درآورد. تأثیر این کلام، حاکی از این حقیقت مغفول در فهم ما از دین و تبلیغ ما از دین است.

واقعیتی به نام «جامعه زنان»

پس نمی‌توان وظایف زنان را به خانه‌داری و همسررداری محدود کرد. یعنی گرچه مادری و همسری شأن بسیار والایی دارد اما همه‌ی مطلب نیست و زنان باید نقش اجتماعی داشته باشند. البته آن زنی که خانه‌داری و همسررداری می‌کند، اگر در اوج سترو و عفاف و پرده‌نشینی باشد، حداقل با جامعه زنان مرتبط است و این جامعه بر او اثر می‌گذارد. جامعه زنان نیز از مردان اثر می‌پذیرد و بعد بر بقیه زنان اثر می‌گذارد. ممکن است زنی در نماز و روزه‌اش منظم باشد و مستحباتش را هم به جا آورد، اما بعد از جامعه زنان تأثیر بپذیرد و یک زندگی توأم با عبادت فردی، اما همراه با تجمل و به سبک زندگی غربی داشته باشد؛ چون در جامعه زنان ارزش‌هایی جریان دارد و فشارهایی بر فرد وارد می‌کند و بعضی امور را تحقیر یا تجلیل می‌کند. اگر زن فقط در همسررداری و خانه‌داری متمرکز و محدود بشود، از عرف جامعه زنان و بعد از مردان تأثیر منفعلانه می‌پذیرد که بعضاً تبدیل می‌شود به: «سرمایه‌داری به علاوه هفده رکعت نماز»

پس گرفتن «رهبری جامعه زنان» از زنان بت‌پرست

شیخ مفید رحمة الله علیه در الإرشاد نقل کرده که ظاهراً همان اوایی که صدیقه طاهره علیها السلام با امیرالمؤمنین علیه السلام ازدواج کرد، خدمت پیامبر اکرم عرض کرد: «عَیْرَتِنِ نِسَاءٌ»

قُرَيْشٍ يَفْقِرُ عَلَيَّ!»^۱ زنان قریش مرا به خاطر فقر شما سرزنش می‌کنند. یعنی ارزش‌هایی در آن زنان، به تبع شوهران‌شان و مال‌پرستان قریش وجود دارد که موجب می‌شود تا بگویند: پدرت تو را به عقد یک فقیر بی‌چیز و بی‌پول درآورده است. حضرت رسول در پاسخ، از فضائل معنوی و بی‌نظیر امیرالمومنین سخن گفتند و به دخترشان بشارت دادند.

پس این جامعه زنان مدینه ابتدا متمایل و متأثر از قریش و معیارهای مادی آنهاست. صدیقه طاهره علیها السلام در یک مبارزه بی‌وقفه، این منصب را از آنها می‌گیرد و تجلیل از مال و ثروت تبدیل می‌شود به معیارهای الهی که خود صدیقه طاهره، در اوج این معیارهاست و لذا در منصب رهبری زنان قرار می‌گیرد. با این مقام است که در اوج شهادت روحی و جسمی، با کلام‌شان مردان و قدرتمندان مدینه را به حالت اعتذار درمی‌آورد.

سیده نساء العالمین علیها السلام در جامعه خودش رهبر زنان است و بعد از این طریق، کلیت جامعه حتی مردان را تغییر می‌دهد. «نساء العالمین من الاولین و الآخِرین»^۲. اگر هم در وهله تأثیر نگرفتند و دنبال حق نیامدند، اتمام حجت می‌کند و در طول تاریخ همه زنان مؤمن را به دنبال خود می‌کشاند؛ لذا ایشان مقام سیادت و ولایت بر زنان، ولایت اجتماعی بر عواطف، سیادت بر عواطف اجتماعی را دارند.

۱. محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ص ۳۶؛ محمد باقر موحّد ابطحی اصفهانی، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۳۸۳؛ علامه حلی و دیگران، مجموعه نفیسه، ص ۲۳۴؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۳۱۷.
 ۲. محمد بن علی صدوق (ابن بابویه)، محمد باقر کمراهی، الامالی، ص ۴۸۶؛ محمد بن علی عمادالدین طبری عاملی، بشارة المصطفی، ص ۱۹۷؛ شاذان بن جبرئیل قمی، الفضائل، ص ۸؛ محمد باقر مجلسی، محمد باقر محمودی و دیگران، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۹۵؛ محمد بن حسن حر عاملی، شهاب الدین مرعشی و دیگران، اثبات الهداة، ج ۲، ص ۷۵؛ محمد بن علی صدوق (ابن بابویه)، علی اکبر غفاری، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۶؛ محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، مهدی انصاری قمی، نوادر الأخبار، ص ۱۶۱؛ حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۹۵.

زن «نه شرقی؛ نه غربی»

اساساً دفاع از حق و دفاع از ایمان در مقابل کفر یا نفاق، بدون بروز و ظهور اجتماعی امکان‌پذیر نیست؛ لذا مقام معظم رهبری در پیامشان به کنگره هفت‌هزار زن شهید کشور اشاره می‌کنند:

زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی و در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عقیف بود، محجبه و شریف بود و در عین حال، در متن و مرکز بود.^۱

اما چه‌طور در متن و مرکز باشد؟ چون بخش مهمی از دفاع از حق، دفاع از اسلام در مقابل کفر یا نفاق، جز به این طریق ممکن نیست؛ کما اینکه آنها نیز زنانشان برای حفاظت از دنیاپرستی و کفر و نفاق وارد عرصه می‌کنند؛ چنان‌که خدای متعال در قرآن به زن ابولهب، ملکه سبا، زن نوح و لوط اشاره کرده است. نمی‌شود که دشمن با تمام زنان و مردان خود به ما حمله‌ور باشد اما این طرف بگوییم نصف جامعه (زنان) به گوشه‌ای بروند و کاری به هیچ چیز نداشته باشند؛ نخیر. بلکه از منزلت زنان، همین عواطف زنانه و تحریک این عواطف در مقابل حمله‌های کفر و نفاق است که می‌توان در دفاع از اسلام مشارکت کرد و همین نقش سیاسی و اجتماعی زن در اسلام است. یعنی حضور زن در متن و مرکز باید از موضع زنانگی و فطرت زنانه باشد و به این صورت، از حضور اجتماعی زن غربی تمایز پیدا می‌کند. رهبری می‌فرمایند:

می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگه داشت و نیز سنگر‌سازی‌های جدید کرد.^۲

۱. پیام به کنگره هفت‌هزار شهید کشور، ۱۵ اسفند ۱۳۹۱، دسترسی در آدرس:

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=22138>

۲. همان.

این سنگردر مقابل دشمن است؛ اما دشمن در ادبیات دینی کیست؟ نظام کفر یا نفاق: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ»^۱. آن کسی و آن جامعه‌ای که به خدای متعال دروغ می‌بندد و خدا و آیاتش را تکذیب می‌کند، منافق است و آن کسی و آن جامعه‌ای که به کلی تکذیب می‌کند، کافر است. وقتی اینها حمله‌ور هستند و بخواهیم در مقابل‌شان دفاع کنیم، نمی‌توانیم نصف جامعه را تعطیل کنیم؛ کما اینکه صدیقه طاهره علیها السلام نه تنها این کار را نکرد، بلکه این منزلت را هم در جامعه زمان خودش به دست آورد و هم در تاریخ، صاحب این منزلت شد. لذا آن «عِزَّتِي» زنان قریش را به این تأثیرگذاری تبدیل نمود و زنان قریش را از رهبری جامعه زنان عزل کرد. بنابراین خیلی طبیعی است که در *امالی* صدوق از قول نبی اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف وضعیت قیامت نقل شده است: «كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى ابْنَتِي فَاطِمَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى نَجِيبٍ مِنْ نُورٍ عَنْ يَمِينِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَعَنْ يَسَارِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَبَيْنَ يَدَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَخَلْفَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ»^۲. حضرت فاطمه علیها السلام با این تشریفات و جلال الهی در قیامت وارد می‌شوند و هفتاد هزار ملک در چپ و راست و پیش و پشت سر و همراه و در دنباله ایشان روانند. «تَقُودُ مُؤْمِنَاتِ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ»^۳ و زنان امت من را به سمت بهشت رهبری می‌کنند. آیا این جایگاه بی‌دلیل و بدون هیچ حکمتی در قیامت به حضرت داده شده یا انعکاس عمل عظیم او در دنیا است؟ کما این‌که انعکاس همه افعال ما در آخرت است و وضعیت آخرت ما انعکاس عمل دنیایی ماست. در دنیا رهبری زنان و در آخرت هم «تقود مؤمنات» و هدایت ایشان به بهشت. یعنی آن منزلت با تشریفات واقعی و آن حقایقی که در دنیا بوده، اینجا منعکس می‌شود. این «تَقُودُ مُؤْمِنَاتِ أُمَّتِي إِلَى الْجَنَّةِ» بی‌حساب و کتاب نیست. در دنیا این کار را انجام داده که به آن مقام اخروی رسیده است.

۱. انعام، ۲۱.

۲. محمد بن علی صدوق (ابن بابویه)، محمدباقر کمره‌ای، *الأمالی*، ج ۱، ص ۴۸۶؛ محمد بن علی عمادالدین طبری عاملی، *بشارة المصطفى*، ص ۱۷۷؛ محمدباقر مجلسی، *محمدباقر محمودی و دیگران، بحار الانوار*، ج ۳۷، ص ۸۴ و ج ۴۳، ص ۲۴؛ محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، *عوالم العلوم*، ج ۱۱، ص ۱۲۸.

۳. همان.

زن غربی و تحصیل و اشتغال مردانه

اگر این را روشن نکنیم، آن وقت کسان دیگری از طریق مدیریت جامعه زنان، آنها را به سمت دیگری خواهند برد؛ کما اینکه دارند می‌برند. اگر ما این کار را نکنیم، رهبران دیگری، جامعه زنان را به سمت دلخواه خود می‌برند. اگر وظیفه الهی زن را در همسر داری و خانه داری منحصر کردیم، آن وقت کسانی که سیادت و رهبری جامعه زنان را به صورت مادی به دست دارند، همان زنان خانه نشین را هم به سمت امور مادی خواهند برد؛ کما اینکه بعضاً موفق شده‌اند. تحصیل و اشتغال به نحوی که در غرب است را برای زنان مؤمنه جامعه ما به ارزش تبدیل کردند. یعنی آن روندی که در جهان جریان دارد از طریق ساختارهای اجتماعی در کشور ما هم کم و بیش جریان پیدا کرده است.

زن شرقی و تجمل در خانه

بعضی از زنانی هم که به این سمت نمی‌روند، فشارهایی می‌آورد که آن‌جا برایش مانور تجمل فراهم کنند. حتی بعضی از متدینین به اسم پرده نشینی زن‌ها را مطلقاً از عرصه جامعه دور می‌کنند و در مقابل باج می‌دهند که مجالس زنانه با همان سبک زندگی اشرافی و اموی و آمریکایی را داشته باشند. بعد زنان عادی به مجلس روضه این قشر که می‌روند با چشم از حدقه بیرون زده، این تجملات را می‌بینند. بعد امضای دین و دیانت هم پای این زندگی بخورد! اسم عفت مؤمنانه و پرده نشینی فاطمی هم به آن سنجاق بشود! نعوذ بالله!

بنابراین آنهایی که انزوا را انتخاب می‌کنند، به این مانور تجمل در درون جامعه زنان کشیده می‌شوند؛ یعنی نماز و روزه به علاوه سبک زندگی متجملانه اروپایی و آمریکایی و الگوی مصرف غربی. یا اینکه وارد اجتماع می‌شوند، اما گرفتار اشتغال و تحصیل می‌شوند و نظام سرمایه داری می‌خواهد از آنها مانند مردان کار بکشد.

سرگشتگی هویت زنانه در معرکه «زن شرقی» و «زن غربی»

یک سری هم که احساس می‌کنند همه اینها خلاف وجدانشان است، در سردرگمی و سرگشتگی هستند. احساس می‌کنند اگر وارد جامعه بشوند، دیانتشان، زنانگی‌شان، عواطف و احساسات و ظرافت و عطوفت‌شان ضربه می‌خورد؛ چون نظام سرمایه‌داری، هویت تحصیل و اشتغال را برای مرد و زن، یکسان و بدون تفاوت طراحی کرده. اگر در خانه بمانند، احساس می‌کنند از روند تکامل جامعه و واقعیت و تپش و مغز حیات اجتماعی دور مانده‌اند و احساس عقب ماندگی می‌کنند و در سرگشتگی می‌مانند.

هویت سوم: تحریک عواطف جامعه برای مقابله با کفر و نفاق

این به خاطر چیست؟ به این خاطر که متوجه نبودیم بعضی از احکام اجتماعی که خدای متعال برای زنان جامعه اسلامی قرار داده، حضور اجتماعی اما به نحو الهی است؛ یعنی تحریک جامعه از جایگاه عاطفه زنانه برای مقابله با کفر و نفاق.

اگر زهرای مرضیه علیها السلام هم در مقابل کفار قریش و هم در مقابل منافقین، همزمان سعی داشتند تا بیشترین تأثیر را در تحریک عواطف و مدیریت عواطف جامعه بگذارند، این امروز برای ما چه معنا و چه امتدادی دارد؟ امروز کفر از چه زاویه‌ای به ما حمله‌ور است؟ مؤمنین از چه منفذی در حال ضربه خوردن هستند؟ دشنه طغیان در پهلوی ایمان از کجا وارد می‌شود؟ اینها را منزلت «نیابت عامه» مشخص می‌کند تا هم مردان و هم زنان در آن نقطه بایستند و دفاع کنند. دوازده سال است که مقام معظم رهبری نام سال‌ها را اقتصادی می‌گذارند و دو سه سال است بر مسئله محاصره تبلیغاتی و فوریت «جهاد تبیین» تأکید می‌کنند.

﴿وَمَنْ يُؤَلِّهْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ﴾^۱

کسی که در میدان جنگ به دشمن پشت کند، گرفتار غضب الهی است. البته

۱. انفال، ۱۶.

ملت ایران این طور نیستند. به هر مقداری که برایشان وظیفه معین کردیم، در صحنه بودند؛ اما خیلی جاها ما وظیفه معین نکردیم. در جنگ اقتصادی و جنگ تبلیغاتی وظیفه زنان چیست؟

دوازده سال در «جنگ اقتصادی» و دو سال در «جهاد تبیین»، نه از روی تقصیر، بلکه از روی قصور در گوشه رینگ هستیم و مدام مشت می خوریم. هیچ تعیین وظیفه روشن و مشخصی در منبرها و در این فرصت‌های بی نظیری که خدای متعال برای انسجام مؤمنین در اختیار ما قرار داده، نداشته‌ایم. یک سری کلیاتی بگوییم و بگذریم، یا اصلاً وارد نشویم و در همان خانه‌داری و همسرداری متوقف بمانیم. البته آنها هم احکام نورانی خدای متعال است، اما در آنها نباید توقف کرد.

خروش حضرت آسیه؛ درگیری ملکه با امپراطور!

شما آیات قرآن را ببینید که از زنان بهشتی و مخدرات انبیا و اوصیا تجلیل می‌کند؛ تقریباً هیچ‌کدام نیست که در برابر عبادت فردی باشد، همه در موضع‌گیری‌های شدید اجتماعی هستند: ﴿إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عُنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ﴾ آسیه بنت مزاحم، همسر فرعون، این دعاها را در گوشه پستو نگفت، بلکه طبق روایات، موقعی که فرعون او را به چهارمیخ کشیده بود تا به تدریج جان بسپارد، این دعا را کرد، طبق روایاتی که ذیل این آیه وارد شده. بر حسب روایات، حضرت آسیه رضی الله عنها هنگامی که دید ماشطه (آرایشگر) فرعون را به همراه فرزندانش در آتش سوزاندند، دست از تقیه برداشت و به فرعون فرمود: ﴿الْوَيْلُ لَكَ يَا فِرْعَوْنَ مَا أَجْرُكَ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَعَلَا﴾؛^۱ وای بر تو! چه چیز باعث شده که در برابر خدای متعال این قدر جسور باشی و چنین جنایت وحشیانه‌ای مرتکب شوی؟! این جمله را در برابر کسی گفت که بنی اسرائیل را به بردگی کشیده بود! این بانوی الهی یک تنه در مقابل این شخص بدتر از حیوان وحشی ایستاد.

۱. تحریر، ۱۱.

۲. نعمت الله جزیری، النور المبین فی قصص الإنبیاء والمرسلین، ص ۲۶.

این در حالی بود که بخش مهمی از دربار و وزرا و مقامات و لشکریان و بردگان و کنیزان، زیر دست ملکه دربار بودند و ملکه در دستگاه سلاطین، منزلت اجتماعی بسیار بالایی داشت؛ یعنی موضع‌گیری او، دربار فرعون را دو پاره کرد. لذا فرعون دستور داد این مخدّره الهی را به چهارمیخ بکشند. چرا باید با او چنین کنند؟ چون اگر ملکه دربار با امپراتور همراهی نکند، نصف دربار قیام می‌کنند یا حداقل برایشان تردید ایجاد می‌شود و آبرو و وجهه و ابهت امپراتور فرومی‌ریزد. وقتی یک ملکه در برابر امپراتور می‌ایستد و با او مخالفت می‌کند، طبعاً دربار را نیز دو شقه می‌کند. با وجود اینکه در بالاترین سطح رفاه و لذت‌ها و تجملات مادی قرار دارد، اما نه تنها منفعل نشده و دنیاپرستی را قبول نکرد بلکه در برابر تمام دنیای فرعون ایستاد.

طبق روایات، فرعون و همسرش حضرت آسیه که در تفریح‌گاهی در کنار ساحل بودند، دیدند جسم سیاهی به روی امواج نیل به آنها نزدیک می‌شود. آن را از آب گرفتند و دیدند که نوزادی درون آن است. فرعون تا نوزاد را دید، محبت شدیدی در قلبش افتاد، اما برخلاف فطرتش رفتار کرد و گفت که این نوزاد از بنی اسرائیل است و باید کشته شود؛ اما حضرت آسیه جان حضرت موسی عليه السلام را نجات داد: ﴿لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا﴾^۱. مرحوم مجلسی در جلد ۱۳ بحار الأنوار نقل کرده است که حضرت آسیه نیز از بنی اسرائیل و اهل ایمان بود، ولی تقیه می‌کرد: «کانت من بنی اسرائیل و کانت مؤمنة مخلصه و کانت تعبد الله سرّاً»^۲. این منزلت بسیار عجیبی است! تصور کنید زن مؤمنی را که مجبور باشد با کافر جنایت‌کاری مثل فرعون زندگی کند و ملکه دربار شود و در این زندگی، نه تنها اسیر جلال و جبروت مادی دستگاه نشود، بلکه نقش حفاظت از نبی الهی را بر عهده بگیرد و پس از آن، موضعی در برابر امام کفر بگیرد که به شهادت او منجر شود: ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فَرِعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَبِخَنِي مِنْ

۱. قصص، ۹.

۲. محمد باقر مجلسی، محمد باقر محمودی و دیگران، بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۶۴.

فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجَّى مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^۱ و در هنگام شهادت خود می‌گوید: خدایا! برای من در نزد خودت خانه‌ای بهشتی بنا کن!

در ادامه روایت فوق، نقل شده که حضرت موسی برای حضرت آسیه علیها السلام دعا کرد تا درد شکنجه بر ایشان اثر نکند و حضرت آسیه علیها السلام نیز در این لحظه دعای فوق را که در قرآن کریم آمده از خدا مسئلت کرد؛ یعنی این دعا در کنج منزل نبوده، بلکه در اوج مجاهدت با طواغیت و تحمل شدیدترین فشارها برای حفاظت از کلمه توحید و مبارزه با دستگاه کفر صورت گرفته است. در مقابل، خدای متعال ندا داد: سرت را بالا بیاور و نگاه کن که در بهشت چه خانه‌ای برایت بنا کردیم و لذا با دیدن آن خانه بهشتی، لبخند بر لبان حضرت آسیه علیها السلام نقش بست. فرعون گفت: این مجنون را نگاه کنید در حال شکنجه نیز لبخند می‌زند! عاقبت، این بانوی عظیم الشان در همان جا به شهادت رسید.

جنگ امروز زنان ما!

قرآن آنجا که ظهور و بروز در دفاع از ایمان در مقابل کفر و نفاق است برای زنان منزلت اجتماعی برشمرده است؛ اما از منزلت زنانه، عواطف، دلسوزی و محبت، نه از منزلت تحصیل و اشتغالی که نظام سرمایه‌داری امروز برای زنان تعریف کرده است. پس امروز در جنگ تبلیغاتی و جنگ اقتصادی باید از منزلت زنان وارد شد و تعیین وظیفه کرد. اینها مسائل ماست. در جنگ اقتصادی، دیگر صرفاً با اینکه چطور رفتار اخلاقی با همسر و فرزندان در خانه داشته باشید، مواجه نیستید. در جنگ اقتصادی با الگوی تولید مواجهید؛ با الگوی توزیع مواجهید؛ با الگوی مصرف مواجهید. بله، دشمن فشار می‌آورد، اما به تعبیر مقام معظم رهبری که بعد از اغتشاش‌ها و اعتراض‌های سال ۹۶ فرمودند: این قضایایی که اتفاق افتاد، مثل یک زخم بود و دشمن مثل مگس بر زخم می‌نشیند. یک زخمی

۱. تحریریم، ۱۱: «خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش.»

هم از درون داریم. یک زخمی هم داریم که دشمن از طریق آن می‌تواند این طور ضربه اقتصادی به ما بزند. ایمان مردم به انقلاب و اسلام و کارآمدی دین در اداره جامعه را این طور مورد ضربه و حمله خودش قرار بدهد. به جز فشار بیرونی، ضعف‌هایی هم داریم. این انفعال درونی است که آن فشار این طور اثر می‌کند. خب، حالا از موضع تعیین تکلیف جامعه زنان به صورت الهی در جنگ اقتصادی، این مسئله امروز ماست؛ کما اینکه صدیقه طاهره عَلَيْهَا السَّلَامُ در موضع دفاع از اسلام این طور موضع‌گیری اجتماعی نمودند و منزلت اجتماعی برای خودشان ایجاد می‌کردند.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُتَمَحِّنَةً اِمْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ اَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا اِمْتَحَنَكَ صَابِرَةً اَنَا لِكِ مُصَدِّقٌ»^۱ این تصدیق ما در دنیای امروز و در وضع فعلی اینگونه است که ببینیم آن کفر و نفاق که حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ در مقابلش از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ دفاع می‌کرد، امروز چیست؟ به جامعه مؤمنین با جنگ اقتصادی و تبلیغاتی حمله‌ور هستند. حالا، نقش زنان در الگوی تولید و توزیع و مصرف در منزل چه می‌شود؟ اگر در خانه کارهایی هم بکنند و آنجا متوقف بشوند و بعد زنان دیگر و عرف و معیارهای مادی به آنها عیب بگیرند که: پس شانتان چه می‌شود، آیا زیر این فشار موفق خواهند شد؟! یا باید عرف و معیارهای مادی را بشکنند و این مهم به حرکت اجتماعی نیاز دارد؟ چطور می‌توانند زنان خانواده و ارحام و سپس زنان همسایه و محله و بعد زنان روستا و شهر خودشان را برای شکستن محاصره تبلیغاتی هماهنگ کنند و سپس کلیت جامعه را تحت تاثیر قرار دهند؟ چطور با جوانان اقوام و همسایگان و محله ارتباط برقرار کنند و به آنها خوراک فکری و عاطفی بدهند تا تحت تاثیر دشمن قرار نگیرند؟ در جهاد تبیین چه محتوایی در اختیار آنها قرار بدهند؟ در جنگ اقتصادی، چه مطالبه‌ای را به صورت عطفوانه و زنانه مطرح کنند؟ چطور

۱. محمد بن محمد مفید، المنزاع، ج ۱، ص ۱۷۸؛ محمدباقر مجلسی، محمدباقر محمودی و دیگران، بحار الانوار، ج ۹۹،

فضای خانواده و فامیل و محله را از طریق جمع‌های زنانه دگرگون کنند؟ و چطور با بکارگیری عواطف خود، فضا و عرف مادّی را بشکنند؟ آیا این جمع‌های زنانه و جلسات بانوان که با محوریت محبت اهل بیت در سراسر ایران برگزار می‌شود، سرمایه کوچکی است؟! چرا این جمع‌ها از فرصت سخنرانی و عزاداری و اجتماع خود استفاده نکنند و قبل و بعد از مراسم‌شان، به یک سری وظائف خاص و زنانه نپردازند؟ چرا در این مجالس، مصادیق امروزی و امتداد راه حضرت زهرا پیگیری نشود؟ چرا این جمع‌ها به سمت تغییر فضای محله و شهر حرکت نکنند؟ چرا پیشنهاد و برنامه اقدامی برای ارتقاء مجالس زنانه در میان نیست؟ ان شاء الله در مباحث بعدی، هندسه جدیدی از این وظائف را توضیح خواهیم داد.

فریاد بیداری زهرا علیها السلام در میدان مبارزه

چه گذشت بر صدیقه طاهره؟ چه رفتاری کردند با بیت نبوت؟ چه رفتاری کرد بیت نبوت با بیت کفر؟ وقتی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله وارد مکه شد و مکه را فتح کرد، فرمود که: هرکس در خانه ابوسفیان پناه بگیرد، خونسش محترم است. با ملعونی که ستون کفر در جزیره العرب بود و هفتاد جنگ بر ضد نبی اکرم صلی الله علیه و آله به راه انداخته بود، این طور حلم و اخلاق و گذشت و ایثار و مرحمت به خرج داد و به او آبرو بخشید. هرکس در خانه خدا یا در خانه ابوسفیان پناه بگیرد، خونسش محترم است! اما اینها چه کار کردند با بیت نبوت؟! به تعبیر دعای صنمی قریش «فَقَدْ أَخْرَبَا بَيْتَ النَّبُوَّةِ وَ رَدَمَا بَابَهُ وَ نَقَضَا سَقْفَهُ وَ أَحْقَا سَمَاءَهُ بِأَرْضِهِ»؛^۱ زمین و آسمان این خانه را یکی کردند؛ «وَ عَلِيٌّ بِسَافِلِهِ وَ ظَاهِرُهُ بِبَاطِنِهِ وَ اسْتَأْصَلَا أَهْلَهُ»؛^۲ مستأصل کردند اهل بیت نبوت علیهم السلام را. این استیصال به جایی رسید که صدیقه طاهره علیها السلام در دفاع از امیرالمؤمنین علیه السلام صدای خودش را در مقابل نامحرمان بلند کند و با یک حرکت

۱. محمدباقر مجلسی، محمدباقر محمودی و دیگران، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۶؛ ابراهیم بن علی کفعمی، المصباح، ص ۵۵۲؛ حسن بن سلیمان حلی، علی اشرف، المحتضر، ص ۱۱۱.

۲. همان.

عاطفی و منقلب‌کننده فریاد بزند: «يَا أَبَتَا! يَا رَسُولَ اللَّهِ! هَكَذَا كَانَ يُفْعَلُ بِحَبِيبَتِكَ وَ ابْنَتِكَ!»^۱ پدرجان! این طور با محبوبه تو رفتار می‌شود. این صدا را در مدینه بلند بکند و طبق روایت، همه حاضران را به گریه بیندازد به جز چند نفر که بخاطر شدت قسوت، از این آیه‌ی عاطفی هم منفعل نشدند و گریه نکردند. فرزندش هم در عصر عاشورا شبیه همین عبارت را فرمود. این مادر و فرزند مثل هم روضه خواندند. آن فرمود: «هَكَذَا كَانَ يُفْعَلُ بِحَبِيبَتِكَ وَ ابْنَتِكَ»، عصر عاشورا هم وقتی تیر آن ملعون بر چانه مبارک ابا عبدالله علیه السلام نشست، حضرت تیر را از چانه درآورد و فریاد زد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْكُو إِلَيْكَ مَا يُفْعَلُ بِابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ»^۲.

«اللعنة الله على القوم الظالمين»

۱. محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۵۵۹؛ محمدباقر مجلسی، محمدباقر محمودی و دیگران، بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۲۸۷.

۲. محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۹۵؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۴۵۸؛ محمدباقر مجلسی، محمدباقر محمودی و دیگران، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۰؛ سید بن طاووس، احمد فهری زنجانی، اللهوف، ج ۱، ص ۹۵.

مجلس دوم

رهبری جامعه زنان؛ از «مدیریت
عواطف اجتماعی» در اسلام تا
«مردوارگی زن» در غرب

(بررسی انتقادی هویت اجتماعی زن غربی)

رفتارهای موج‌آفرین و حادثه‌ساز حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در حمایت از نهضت نبوی، عاملی مهم در مدیریت ایشان بر جامعه زنان مدینه بود که یک نمونه از آن، موجب هدیه بزرگ الهی به ایشان در قالب «تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام» شد. اما این رفتارها و تاثیرگذاری‌های اجتماعی بر اساس «عاطفه، محبت، ظرافت و رقت» انجام می‌شد؛ چراکه در میان خصوصیات تکوینی زنان، این روحیه است که نقشی محوری دارد؛ همان‌گونه که در میان خصوصیات تکوینی مردان، «اقتدار» است که خودنمایی می‌کند. پس می‌توان گفت نقش اجتماعی زن مسلمان، «مدیریت عواطف اجتماعی» است که از بسیج عاطفی زنان آغاز می‌شود و به تحریک عاطفی کل جامعه می‌انجامد. غرب، گرچه مدعی ایجاد هویت اجتماعی برای زن است و از این رهگذر، برخی زنان مسلمان ایرانی را نیز با خود هم‌فکر و همراه کرده اما واقعیت آن است که هویت اجتماعی غربی برای زن، خصوصیت عاطفه را پایمال می‌کند و باعث «مردوارگی» در بانوان و تشبه زنان به مردان می‌شود و به فطرت رقیق آن‌ها ضربه‌ای اساسی وارد می‌کند و زنانگی آن‌ها را نادیده می‌گیرد و همان تحصیل و اشتغال مردانه را برای زنان تجویز می‌کند. اما توجه به سیره مخدراتی همچون حضرت هاجر . که با عاطفه خود، مبدأ شکل‌گیری شهر مکه به‌عنوان مرکز عبادت در کره زمین شد. نشان می‌دهد که برای نقش‌آفرینی زن در جامعه، نیازی به تحصیل و اشتغال متداول در غرب نیست و «مدیریت عواطف اجتماعی» می‌تواند جایگزین این مردسالاری مدرن شود. زنان شرکت‌کننده در جمع‌های مذهبی بانوان می‌توانند با اقتدا به نقش مدنیت‌ساز حضرت هاجر، هویت محله‌ها و شهرها را بر محور دفاع از کلمه توحید بازآرایی کنند و با مدیریت عاطفه در اقوام و همسایگان و محله، مرکزی برای جهاد تبیین در منطقه خود باشند.



«عاطفه» محور خصوصیت تکوینی زن و منشأ «رهبری جامعه زنان»

لقب «سیده النساء العالمین»^۱ برای حضرت زهرا علیها السلام یک امر تشریفاتی نیست؛ بلکه «جامعه زنان» یک حقیقت انکارناپذیر است که در آن حاکم و محکوم و رئیس و مرئوس وجود دارد و ارزش‌ها و تجلیل‌ها و تحقیرهایی در آن جاری است. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام توانستند با رفتارها و مجاهدت‌های معجزه‌گون خود، رهبری جامعه زنان را از دست معیارهای مادی زنان قریش در بیاورند و علاوه بر جامعه خود، رهبری تاریخی زنان را هم در دست گیرند. طبعاً این جابه‌جایی قدرت در جامعه زنان مبتنی بر خصوصیات زنانه یعنی عاطفه، محبت، رقت و لینت است. یعنی محور خصوصیات روحی زنان، عاطفه است و لذا تکیه به آن می‌تواند بیشترین هماهنگی را در جامعه زنان بوجود آورد.

ترکیب «عاطفه» و «اقتدار»، لازمه «جامعه متعادل»

همان‌طور که در جامعه به اقتدار مردانه نیاز است، عواطف زنانه هم لازم دارد؛ اقتدار مردانه بدون ترکیب شدن با عواطف زنانه، به تندی و خشونت و تحکم و زورگویی

۱. «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْمَمْدَائِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي فَاطِمَةَ أُمَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَمْ هِيَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا فَقَالَ ذَلِكَ لِزَيْمٍ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالِمِهَا وَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ». (محمد بن علی بن بابویه، معانی الأخبار، النص، ص ۱۰۷).

تبدیل می‌شود، همان طور که عاطفه زنانه بدون ترکیب شدن با اقتدار، به ضعف و انفعال و تأثیرپذیری منتهی می‌شود. همان طور که در خانواده اقتدار پدر و عاطفه مادر لازم است، در جامعه نیز اقتدار مردان و عاطفه زنان را با هم می‌خواهیم، این‌ها با هم باید ترکیب شوند. آن کسانی که زن را در مادری و همسری محدود می‌کنند، نمی‌گذارند بُعد عاطفه در جامعه رواج پیدا کند و بعد عمل اجتماعی به زنان نمی‌دهند و دشمن نیز آن‌ها را با خود می‌برد. و آن کسانی که عمل اجتماعی به زن می‌دهند، ولی مثل غرب تحصیلات و اشتغال مردانه برایشان تعریف می‌کنند، زن‌ها را مردواره بار می‌آورند و خصوصیت فطری آن‌ها را پیمال می‌کنند.

لذا به نظر می‌رسد حضرت زهرا توانستند با هماهنگ‌سازی جامعه زنان بر محور عاطفه، بر جامعه مردان و کل عواطف اجتماعی نیز تأثیر بگذارند و آن‌ها را به نفع آرمان نهضت نبوی تحریک کنند و به حرکت در آورند. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آن رفتارهایی که این منصب را از دست زنان قریش گرفت و در اختیار حضرت زهرا علیها السلام قرار داد، چه بود؟ رفتارهایی بود که خبر آن مثل صدای یک انفجار در جامعه می‌پیچید، حادثه‌سازی می‌کرد، عرف مادی را می‌شکست و دیگران را همراه و منفعل و خجالت‌زده می‌کرد.

تسبیحات حضرت زهرا، هدیه‌ی «مدیریت عواطف اجتماعی»

به عنوان نمونه، در روایت آمده است وقتی کار در منزل به حضرت زهرا علیها السلام فشار زیادی وارد کرد، حضرت علی علیه السلام پیشنهاد نمودند تا از نبی اکرم صلی الله علیه و آله درخواست کنند یکی از اسیران جنگی را به عنوان خدمتکار در اختیارشان قرار دهند. این فشار در حدی زیاد بود که در روایات آمده است که ایشان با مشک آب، آنقدر آب آورد که بند مشک در بدن او اثر کرد، آن قدر با آسیاب دستی کار کرد که دست‌هایش تاول زدند، آنقدر خانه را جارو زدند که لباس‌هایش تیره رنگ گردید و آنقدر زیر

دیگ، آتش روشن کرد که لباسهایش سیاه رنگ شد.^۱ همه اینها در حالی بود که آن بانو، دختررییس حکومت بودند و در عرف حکومت‌ها چنین سطحی از زهد و فداکاری بی‌معناست. اما همین فداکاری‌ها بود که جامعه مسلمین را منسجم می‌کرد و اعتماد می‌آفرید و دیگران را به فداکاری برای نهضت نبوی ترغیب می‌کرد. البته این فشار شدید کار خانه، به این دلیل نبوده که حضرت علی اهل کار خانه نبودند و نعوذ بالله بر اساس اخلاق مردسالاری سنتی عمل می‌کردند. بلکه ایشان فرمانده سپاه اسلام و مسئول نظامی نهضت نبوی بودند و فقط در طول ده سال، با مدیریت دهها غزوه و سرپه درگیر بودند و لذا نمی‌توانستند مدت زیادی در خانه باشند. چقدر فشار کار خانه زیاد بوده که بانویی که فرموده بود: «بهترین حالت برای زن این است که نه مردی او را ببیند و نه او مردی را»^۲ از خانه خارج می‌شود و به مسجد می‌آید، تا از نبی اکرم ﷺ درخواست کند خدمتکاری در اختیار او قرار دهد! اما وقتی به مسجد می‌رسد و می‌بیند که مردم در حال گفتگو با پیامبر هستند، از بیان حاجت خود حیا کرده و برمی‌گردد.

بانویی که در اوج حیا و ستر و عفت است، اگر در بین مردم و در مسجد دیده شود، قطعاً خبر حضور او به سرعت در جامعه منتشر می‌شود و حساسیت برمی‌انگیزد. در نتیجه، نبی اکرم ﷺ به منزل ایشان آمد و سؤال کرد: «حاجتی داشتی که به مسجد آمدی؟» زهرای مرضیه علیها السلام حیا می‌کند که سخنی بگوید؛ لیکن امیرالمؤمنین علی علیه السلام درخواست را بیان می‌نماید. حضرت محمد ﷺ با شنیدن وضعیت دخترش به گریه می‌افتد اما می‌فرماید: «دخترم! به خدا قسم در مسجد ۴۰۰ مسلمان بدون غذا و پوشش مناسب نشسته‌اند و فاقد منزل هستند و من

۱. «وَرَوَى أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ لِرَجُلٍ مِنْ بَنِي سَعْدِ - أَلَا أَحَدٌ مَعَكَ عَنِّي وَعَنْ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ - أَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي فَأَسْتَقْتِ بِالْأَوْبَةِ حَتَّى أَكْتُرَ فِي صَدْرِيهَا وَطَخْتِ بِالزَّخِيِّ حَتَّى يَحْتِ يَدَاهَا وَكَسَحَتْ الْبَيْتَ حَتَّى الْغَبْرَتِ يَمَانِيهَا وَ...» (محمد بن علی بن بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۲۰).

۲. «الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ مَا كَانَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَبُّهُ مِنْ فَاطِمَةَ كَانَتْ تَقُومُ حَتَّى تَوَرَّمُ قَدَمَاهَا وَقَالَ النَّبِيُّ لَهَا أَيُّ عَنِّي وَخَيْرٌ لِمَرْأَةٍ أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا تَرَاهَا رَجُلٌ فَصَفَّهَا لِئَلَّا وَقَالَ دُرَيْتَةُ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ» (محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیه‌السلام، ج ۳، ص ۳۴۱).

قصد داریم با فروش این اسراء غذا و لباسی برای این مسلمانان فراهم نمایم؛ لذا نمی‌توانم هیچ‌یک از آن‌ها را به خدمت تو درآورم».^۱ سپس نبی اکرم ﷺ تسبیحاتی معروف به «تسبیحات حضرت زهرا» را به ایشان هدیه می‌دهد و می‌فرماید این بهتر برای شما بهتر از خادم است و حضرت زهرا رضی الله عنها نیز با رضایت کامل با نظر پیامبر صلی الله علیه و آله همراهی می‌کنند.^۲ همین نوع هدیه نیز ابزارهای مادی آن دوران را تحقیر می‌کند و توجه به خدای متعال را به وسط میدان جامعه می‌کشد. چون بسیاری افراد عمر خودشان را در راه خریداری و استخدام خدم و حشم می‌گذرانند.

طبق روایات، اگر کسی بعد از نماز تسبیحات حضرت زهرا رضی الله عنها را بخواند، ثواب هزار نماز نافله را به او می‌دهند؛^۳ یعنی این فعل حضرت به قدری عظیم است و چنان موجهی در جامعه آفریده که یکی از آثار آن، عطای چنین ثوابی به فردی است که آن فعل را انجام نداده و فقط این تسبیحات را خوانده است! تصور کنید آن چهارصد مسلمان فقیر و سایر مسلمانان در مقابل این فداکاری چه حسی پیدا می‌کنند و چطور برای اسلام به حرکت در می‌آیند.

حضرت زهرا رضی الله عنها که یک زن و مظهر رقت و مظهر عطوفت است، محکم می‌ایستد و در راه اسلام و مسلمان‌ها فداکاری می‌کند و عاطفه، رقت و ظرافتش را این‌گونه در راه خداوند متعال تنظیم و مدیریت می‌نماید و فشار ناشی از کمبود حداقل

۱. «والله اعظيها وأعد أهل الصفة تطوى بطونهم لأجد ما أنفق عليهم ولكني أبيعهم وأنفق عليهم أمانيهم» (ابراهیم بن محمد ثقفی، الغارات، ج ۲، ص ۷۳۹) و «أنتما تذاكرت خاتما وسألت جارية بكى رسول الله ص فقال يا فاطمة والذي بعثني بالحق إن في المنجد أربعمائة رجل ما لهم طعام ولا ثياب ولا خشيته خضلة لأعطينك ما سألت يا فاطمة إنى لأرید أن ينفك عنك أخوك إلى الجارية وإنى أخاف أن يخصمك علي بن أبي طالب رضي الله عنه يوم القيامة بين يدي الله عز وجل إذا طلب حقه منك ثم علمها صلاة الشبيح فقال أمير المؤمنين علي بن أبي طالب رضي الله عنه من رسول الله ص الدنيا فأعطانا الله ثواب الآخرة» (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۵)

۲. «أفلا أعلمكم ما هو خير لكم من المقام إذا أخذنا منكم ما» «۵» فكثيرا أربعا وثلاثين تكبيرة وسجعا ثلاثا وثلاثين تسبيحة وجمعا ثلاثا وثلاثين تحميدة فأخرجت فاطمة رضي الله عنها رأسها وقالت رضيته عن الله وعن رسوليه رضيته عن الله وعن رسوليه (محمد بن علی بن بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۲).

۳. «تسبيح فاطمة عليها السلام كل يوم في دبر كل صلاة أحب إلي من صلاة ألف ركعة في كل يوم». (عبدالله بن نورالله بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال (مستدرک سیدة النساء إلى الإمام الجواد)، ج ۱، قسم ۱، ص ۲۹).

امکانات را که بسیاری زنان طاقت آن را ندارند، تحمل می‌کند و این هدیه الهی، یعنی تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام به ایشان تعلق می‌گیرد. گویا تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام هدیه مدیریت عاطفه است، هدیه‌ی حادثه‌سازی بر مبنای رفتار عاطفی زن است که عاطفه‌اش را در موارد جزئی و امکانات دنیا خرج نمی‌کند و از آنها می‌گذرد تا بقیه مسلمین به حداقلی از امکانات دست پیدا کنند. عاطفه‌اش را حتی برای حداقل امکانات ضروری خرج نمی‌کند، دلیرانه می‌ایستد و فداکاری و نرمی و رقتش را خرج مسلمانان بی‌پناه می‌کند.

خبر این رفتار در جامعه می‌پیچد و جامعه زنان را به هم می‌ریزد و عرف مادی را می‌شکند. خیلی از افرادی که در گیرودار امکانات مادی بودند را به خاطر نهضت نبوی خجالت‌زده می‌کند و با این زهد و گذشت و ایثارهای عظیم همراه می‌کند. حضرت زهرا علیها السلام این‌گونه توانستند رهبر جامعه زنان مدینه و سپس رهبر جامعه زنان در تاریخ شوند؛ یعنی این رفتار کشیدگی تاریخی دارد، نه اینکه فقط مختص جامعه آن دوران مدینه باشد؛ کما اینکه اثر و ثواب تسبیحات ایشان هم تا روز قیامت امتداد دارد. امتداد امروزین این رفتار حضرت زهرا چیست؟ آیا امروز زنان ما نمی‌توانند با عظوفت خود مطالبه و موجی به راه بیندازند که حقوق مدیران کشور به نحوی تغییر کند که احساس محبت و اعتماد به نظام اسلامی در میان فقراء و مستضعفین ایجاد شود و حس تبعیض کاهش یابد و شعار جمهوری اسلامی که عدالت است، بهتر جریان پیدا کند؟ آیا نباید بدانند که منشأ این تبعیض‌ها کجاست؟ درکی از «نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارکنان دولت» و معایب و نواقص آن دارند؟ آیا نمی‌توانند رقت و دلسوزی خود را در یک قالب معقول در بیاورند و پیشنهادی برای عادلانه‌تر شدن این قانون بدهند و آن را پیگیری کنند؟

توقف در مادری و همسری ممنوع

پس این زنی است که نقش اجتماعی دارد و جامعه را با عواطف خویش تکان می‌دهد؛ یعنی اسلام هویت اجتماعی، نقش اجتماعی و تأثیرگذاری شدید

اجتماعی زن را به رسمیت شناخته است؛ ولی متناسب با زنانگی و خصوصیات فطری زنانه. خصوصیت فطری زن نرمی، لطافت، ظرافت، عطوفت و رقت است؛ در حالی که خصوصیت فطری مرد اقتدار، استحکام و اِعمال قدرت می‌باشد. خصوصیات فطری زن و مرد متفاوت است و اسلام نیز این را لحاظ می‌کند؛ به هر دو نقش اجتماعی می‌دهد اما متناسب با خصوصیت فطری‌شان. بنابراین، این فطرتشان فقط در مادری و همسری خلاصه نمی‌شود؛ و حتی اگر از موضع همسری و مادری هم وارد شوند، می‌توانند تأثیرگذاری اجتماعی و تاریخی داشته باشند.

و ما از این واقعیت غفلت کرده‌ایم که بعضاً رهبری جامعه زنان در دست افراد نااهل می‌افتد و موج‌های اجتماعی را کسانی برای زنان ما درست می‌کنند که اهل نیستند؛ چون بعضاً زنان متدین جامعه خودمان را منحصر در مادری و همسری کرده‌ایم. حضرت زهرا ع‌ل‌ی‌ها اگر مادری و همسری انجام می‌داد، با این مادری و همسری و با آن پذیرش فشار کار خانه، جامعه را تکان می‌داد و هدیه‌های تاریخی مثل تسبیحات حضرت زهرا ع‌ل‌ی‌ها را تقدیم جامعه می‌کرد و کل مدینه را با نهضت نبوی همراه می‌ساخت. با دیدن گذشت دختر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای تازه‌مسلمانان، جامعه منسجم می‌شود، افراد به همدیگر محبت پیدا می‌کنند و محکم و یکپارچه می‌شوند و زنانشان همراه می‌شوند.

این کاری است که حضرت زهرا ع‌ل‌ی‌ها انجام داده. اسلام برای زن هویت اجتماعی غیر از خانه‌داری قائل است و این‌طور به او ضریب می‌دهد، او را بزرگ می‌کند و سر دست می‌گیرد؛ و ما از این غفلت کرده‌ایم. بسیاری از زنان متدین مان به تبع حرف‌هایی از این قبیل که فقط باید در مادری و همسری منحصر شوند، بعضاً احساس می‌کنند که هویت اجتماعی‌شان به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ و این امر باعث شده است که دشمن از این مسئله سوءاستفاده کند.

ممکن است در سخن گفتن از تأثیر اجتماعی زن، با این اعتراض مواجه شویم که

آیا می‌خواهید زنان را به خیابان‌ها بیاورید و مرد و زن را مختلط کنید؟! ضربه به حیا و عفاف چه می‌شود؟ شما هم که مثل غرب صحبت می‌کنید! در پاسخ باید گفت که ابداً مسئله این نیست؛ بلکه ما از حضور زنان و تأثیرگذاری‌شان در جامعه با قید خصوصیت فطری، عاطفه، محبت، رقت و با لطف‌شان صحبت می‌کنیم.

مردوارگی؛ نقش اجتماعی تقلبی برای زنان غربی

در غرب زنان را مثل مردان نیروی کار حساب کرده‌اند و آن‌ها باید مثل مردان تحصیل کنند و شاغل شوند. مهارتی که زنان در غرب دارند، مثل مردهاست و اتفاقاً در غرب مردسالاری پنهان و پیچیده‌ای رواج پیدا کرده است؛ در ظاهر به آن‌ها هویت اجتماعی می‌دهند، اما مثل یک مرد از زنان کار می‌کشند و به آن‌ها می‌گویند مثل مردها باشید تا قوی حساب شوید، حضور اجتماعی‌تان باید مثل مردها باشد تا احساس مشارکت کنید. این دروغ بسیار بزرگ و خطرناکی است که به اسم آزادی و مشارکت در جامعه، عطوفت، ظرافت، رقت و محبت زنانه را از آن‌ها سلب می‌کنند و روحیه لطیف و ظریف زن را به تعبیر بسیار زیبای رهبری، مردواره می‌کنند.^۱ در واقع، مرد را معیار قرار می‌دهند و زن را مثل آن‌ها؛ لذا این می‌شود یک مردسالاری پیچیده.^۲

۱. «گفتمان غربی در مورد زن اجزاء گوناگونی دارد، لکن دو جزء در آن برجسته است: یکی مردواره کردن زن، یعنی زن را متشبّه به مرد قرار دادن، این یک بخش مهمّ از این گفتمان است... مردواره کردن زن؛ یعنی به دنبال این بودند که مشاغل گوناگونی که با ساخت جسمی و عصبی و فکری مرد سازگارتر است را بکشانند به سمت بانوان و زنان، و این را یک افتخار برای زن و یک امتیاز برای زن قرار بدهند. ما در مقابل این دچار انفعال شدیم، یعنی دور خوردیم؛ ما هم نماندیم، ناخواسته، این گفتمان را قبول کردیم». بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۲، دسترسی در: <https://khl.link/f/22536>.

۲. طبق گزارشی به نام «پارادوکس خوشبختی زنان» که توسط دفتر ملی تحقیقات اقتصادی منتشر شد: حجم ساعات کاری یا شرایط خاصی که به نفع زنان در برخی کشورها وضع شده بود به ضرر زنان تغییر کرد. طبق برخی قوانین، اجبار نیروی کار زن به برداشتن و جابجایی بار بیش از یک وزن معین ممنوع بود اما به اسم برابری زن و مرد این امتیازات زنان لغو شد. ظلم مهمی که یکی از نتایج اصلی موج اول فمینیسم بود، تحمیل بار اقتصادی زندگی بر دوش زنان بود. اکنون سرپرست اقتصادی نیمی از خانواده‌های آمریکایی زنان هستند. یعنی فارغ از بحث شاغل بودن زنان، نیمی از خانواده‌ها مسئولیت تأمین مالی آنها با زن است. دسترسی در:

http://www.un.org/en/development/desa/population/publications/pdf/ageing/household_size_and_composition_around_the_world_2017_data_booklet.pdf.

مدیریت زنان را حضرت زهرا علیها السلام انجام دادند که این مدیریت از جنس زنانه و توأم با عذوبت و لطافت است و خط کاملاً متمایزی دارد. در حال حاضر، بسیاری از زنان خواهان حضور در اجتماع هستند و می‌گویند که ما را به مادری و همسری محدود کرده‌اید. این تصور که دین آن‌ها را محدود کرده و فضای فعالیت اجتماعی به آن‌ها نمی‌دهد، باعث می‌شود که دشمن زنان را به هویت و نقش اجتماعی زنانه دعوت کند و آن‌ها را مردواره بار آورد و این تفکر را در آنان به وجود آورد که در صورتی که خواهان هویت اجتماعی هستید، باید مثل غربی‌ها شاغل باشید، منقطع از مادری و بدون همسری و...؛ در این صورت، غرب فکر زنان را تحت تأثیر قرار داده و جنبش و خیزشی به اسم زنان به راه می‌اندازد و حوادثی همانند اغتشاشات اخیر را رقم می‌زند.

این حوادث به خاطر خلأی است که ماهویت و تأثیر و ارزش اجتماعی زن را تعریف نکرده‌ایم و نقش او را در مادری و همسری محدود کرده‌ایم؛ در نتیجه این دسته از زنان دچار مشکل می‌شوند و فکر می‌کنند هیچ هویت اجتماعی دینی برایشان تعریف نشده است.

بنابراین، هم آن فکر سنتی مرد که «زن نباید مثل مردان فارغ از حیا و عفت و با اختلاط در اجتماع حضور داشته باشد» حق است، و هم آن فکر نواندیش که «زن باید حضور اجتماعی داشته باشد» درست است. ولی هم «حضور اجتماعی مردواره»، و پرده‌نشین کردن زن از ترس اختلاط» و سلب مدیریت جامعه زنان از آنان غلط است. به عبارت دیگر، هم باید نقش اجتماعی باشد و هم اختلاط و مردواره شدن نباشد؛ و این با مدیریت اجتماعی زنان، مدیریت عواطف جامعه و تأثیرگذاری بر عواطف کل جامعه رقم می‌خورد.

عواطف الهی حضرت هاجر علیها السلام، منشأ حفظ نسل پیامبر و محور شهر مکه

خدای متعال در قرآن، به مناسک حج اشاره کرده است. تمام افرادی که تا روز قیامت برای اعمال حج مشرف می‌شوند باید به رفتار حضرت هاجر علیها السلام اقتدا

کنند و سعی صفا و مروه را تکرار کنند؛ همانند حضرت زهرا علیها السلام که تسبیحات منسوب به او تا روز قیامت برای مسلمین تقرب به خدا ایجاد می‌کند و ارزش آن از هزار نماز نافله بالاتر است. این رفتار چه بوده؟ مدیریت عاطفه.

در واقع یکی از بانوان گران‌قدری که در حفاظت از کلمه توحید در عالم خارج (نه در استدلالات ذهنی که در جای خود لازم است) هم‌وزنِ نبی الهی حضرت ابراهیم علیه السلام حرکت کرد و مأموریت اعتقادی خود را در مبارزه با کفر و حفاظت از توحید انجام داد، حضرت هاجر علیه السلام بود. وقتی ایشان حضرت اسماعیل علیه السلام را به دنیا آوردند، خدای متعال به حضرت ابراهیم علیه السلام دستور داد که باید از شامات خارج شوید و هاجر و اسماعیل را در مکه (یعنی خانه من و اولین بقعه‌ای که در زمین آفریدم) مستقر کنید. در تفسیر عیاشی و تفسیر علی بن ابراهیم ذیل آیات ۳۷ سوره ابراهیم آمده است که حضرت ابراهیم علیه السلام خودش و هاجر علیه السلام و اسماعیل علیه السلام را بر بُراق سوار کرد و به صورت معجزه‌گون از شامات به سوی مکه حرکت کردند. در میانه راه به هر مکان و منطقه خوش‌آب و هوایی که می‌رسیدند، از جبرئیل می‌پرسید آیا باید اینجا ساکن شویم؟ جبرئیل پاسخ می‌داد خیر، مقصد اینجا نیست.

وقتی به سرزمین مکه رسیدند، حضرت ابراهیم علیه السلام، هاجر و اسماعیل را در آنجا سکنی داد و عزم برگشت به شامات را کرد؛ چرا که به حضرت ساره علیه السلام گفته بود فوراً به شامات باز می‌گردد. همچنین حضرت ابراهیم علیه السلام مسئولیت درگیری با طاغوت را بر عهده داشت و برای انجام این مأموریت باید در اجتماع حضور پیدا می‌کرد و نه در جایی که هیچ انسانی نیست. حضرت هاجر علیه السلام به ایشان عرض کرد: (زن و بچه‌ای که هیچ قدرت و چاره‌ای ندارند، رها کردی و می‌روی؟! اینجا نه آبی است و نه انسانی و نه گیاهی در آن است و نه دامی که از آن شیر بگیریم!)^۱

۱. «إِنَّكَ خَلَقْتَ الْمَرْءَ ضَعِيفَةً وَ غُلَامًا ضَعِيفًا لَا حِيلَةَ لَهُمَا إِلَّا أَنْ يَسِيَ مِنْ بَشَرٍ وَلَا مَاءَ يَتَطَهَّرُونَ وَلَا زَيْجٌ قَدْ بَلَغَ وَلَا ضَرْعٌ يُجَلَّبُ» (بحار الانوار،

ج ۱۲، ص ۱۱۴؛ محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۳۲).

این مأموریت بسیار عظیم و سخت است. اگر یک شب در خانه نباشیم، چه نگرانی‌ای برای ما و خانواده ما حاصل می‌شود؟! همسرمان چه حالی پیدا می‌کند؟! می‌گوید: من و فرزندانم را تنها گذاشتی؟! این در حالی است که تمام امکانات شهری، اعم از آب، برق، گاز، نگهبان مجتمع، سیستم امنیتی، پلیس، آتش‌نشانی، بیمارستان شبانه‌روزی و... در دسترس آن‌هاست. حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ همسر و نوزادش را به امر الهی در این وضعیت گذاشت. این فشار سنگین و مأموریت بسیار سختی است. اما طبق دستور الهی هاجر عَلَيْهَا السَّلَامُ و فرزندش اسماعیل عَلَيْهِمَا السَّلَامُ را در بیابان مکه، که یک بیابان لم‌پیزرع و خالی از سکنه و آب و گیاه بود، تنها گذاشت.^۱ یکی از حکمت‌های این مأموریت این بود که نسل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از طریق حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَامُ در امان باشد و در معرض شهرهای بزرگ و کفاری که از نسل پیامبر آخرالزمان می‌ترسند، قرار نگیرد.

با مشاهده گریه هاجر و اسماعیل، اشک از چشمان حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ هم جاری شد؛ لذا حضرت عَلَيْهِمَا السَّلَامُ به سوی کعبه روانه شد و در خانه را گرفت و خطاب به خدای متعال عرضه داشت: «خدایا! من ذریه خود را که ذریه توحید است، در سرزمین بی‌آب و علف و بدون انسان رها کردم!»^۲ و در ادامه عرض کرد: «خدایا! تو می‌دانی که ما چه چیزی را پنهان کردیم».^۳ در تفسیر عیاشی ذیل این آیه نقل شده است: «سَأَلْنَا إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَا أَخْفَى أَهْلَ الْبَيْتِ»^۴: آن چیزی که حضرت عَلَيْهِمَا السَّلَامُ پنهان کرده بود، حضرت اسماعیل عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بود و اینکه قرار است پیامبر آخرالزمان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از نسل او زاده شوند.

دستور به هجرت از شامات و سکونت هاجر و اسماعیل عَلَيْهِمَا السَّلَامُ در وادی بدون آب و

۱. ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُرَادَ غَيْرِذِي زَوْجٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ﴾ (ابراهیم، ۳۷).

۲. ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُرَادَ غَيْرِذِي زَوْجٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾ (ابراهیم، ۳۷).

۳. ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نَعْلُنُ وَمَا نَجْتَفِي عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ﴾ (ابراهیم، ۳۸).

۴. محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۸۰؛ محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۳۴.

گیاه، مدیریت پیچیده خدای متعال برای حفظ نسل نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود؛ چراکه کفار و دشمنان هر لحظه در صدد این بودند تا انبیاء را بکشند و نسلشان را از بین ببرند. به همین دلیل است که طبق گزارش‌های تاریخی وقتی نور نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پیشانی حضرت هاشم عَلَيْهِ السَّلَام هویدا شد، یهود چندین مرتبه قصد ترور ایشان را کردند. لذا حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام مأمور شد از شامات که مرکز حکومت‌های کفر و محل درگیری انبیای الهی با دستگاه کفار بوده، هجرت کند و برای حفظ جان حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان حامل نطفه و نسل پیامبر آخرالزمان، او را به سرزمینی بیاورد که هیچ بشر و تمدنی در آن نباشد؛ تا به صورت ناشناس و با حالت تقیه، به دور از خطرات ترور از سوی دشمنان قرار بگیرد و نسل مبارک نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام حفظ شود. لذا تمام اجداد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تقیه بودند؛ گرچه همگی موحد بودند ولی اظهار نمی‌کردند چون هوای نفس و کفر غلیظ دستگاه کفر باعث می‌شد تا همواره به دنبال برکندن نسل انبیاء از قاموس خلقت باشند. بنابراین، خداوند متعال تدبیری کرد که نسل نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از مرکز قدرت دستگاه کفر که در شامات قرار داشت دور و به مکان دیگری منتقل کند تا در طول قرن‌ها امنیت جانی برایشان فراهم گردد و این نطفه و نسل مبارک انتقال پیدا کند. توحید در عالم جاری نمی‌شود مگر توسط نبی اکرم و ائمه هدی و آغاز حفاظت از این نور مبارک (که همان حفاظت از توحید در عالم خارج و در زندگی عینی است) بر عهده حضرت هاجر عَلَيْهِ السَّلَام قرار می‌گیرد. این یک مأموریت بسیار سخت و پیچیده است. چه کسی می‌تواند چنین امتحانی را تحمل کند؟!

چطور این بزرگوار حاضر می‌شود در راستای این مأموریت که حفظ نسل پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده، عاطفه‌اش را در این مأموریت سخت تنظیم بکند؟! چه عاطفه‌ای؟ اینکه با بچه کوچک در یک بیابان لم‌پزرع و بدون آب و گیاه و انسان قرار بگیرد. چطور عاطفه خودش را تنظیم کرده و این خطر را پذیرفته است؟ حضرت هاجر عَلَيْهِ السَّلَام در این وضعیت سخت بدون هیچ‌گونه امکاناتی مقاومت کرد و عاطفه خودش را بر محور خدای متعال تنظیم کرد، در حالی که در انقطاع کامل از همه

امکانات مادی، تشنگی فرزند، دویدن بین صفا و مروه قرار داشت. سپس خدای متعال جوشش آب زمزم را برای این فرزند و برای این مادر و به پاس این فداکاری تا روز قیامت جاری ساخت. پس از اینکه به لطف الهی چشمه آبی در این سرزمین به وجود آمد، پرندگان در اینجا جمع شدند و سپس قبایل و عشایر کوچ نشین از پرواز پرندگان پی بردند که آبی در این نقطه وجود دارد. پس با اجازه حضرت هاجر رضی الله عنه در آنجا ساکن شدند و به تدریج یک شهر شکل گرفت. یک بانوی مدنیت ساز و شهرساز! آن هم شهر الهی و شهر مکه!

از مدیریت عواطف تا مدنیت سازی بر محور پرستش خدا

این زن، محور شکل گیری شهر مکه می شود، که تا قیامت منشأ خداپرستی، مرکز اجتماع مسلمین و محل ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیوم است. این زن با عاطفه خود محور این شهر می شود، با تنظیم این عواطف و مدیریت عواطف خود به نفع جبهه ایمان عمل می کند و یک بانوی مدنیت ساز و باعث حفظ نسل نطفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می شود. در واقع، این رفتار عاطفی عظمتی برای او درست می کند که برخلاف نظر برخی اندیشمندان (حتی برخی اندیشمندان مسلمان) است که می گویند جمعیت و شهرها بر اساس نیازهای مشترک مادی شکل می گیرند؛ در حالی که این شهر بر اساس انقطاع از هرگونه امکانات مادی و توجه صرف به خداوند متعال بوده و این بانو محور این شهر است. در آنجا هیچ امکاناتی وجود نداشت و با این انقطاع، خداوند متعال جزای او را با معجزه ای به نام زمزم در اختیار او قرار داد و یک شهر بر اساس محور عبادت و انقطاع از غیر خدا و پرستش خدا ایجاد کرد.

عظمت این فعل و ابعاد این عبادت حضرت هاجر رضی الله عنه در دفاع از کلمه توحید و حفاظت از پرستش خدای متعال در مقابل کفر به گونه ای است که در ایام حج تمام مردان باید نسبت به این فعل عظیم تواضع و تعظیم کنند، تا از این طریق کسب نور و معرفت الهی نمایند. این رفتار از سنخ نماز و روزه و عبادات فردی

نبود، بلکه در سطح احکام اعتقادی و حفاظت از کلمه توحید بود و مخدرات انبیاء و اولیای الهی چنین کسانی بودند.

این بانوی بزرگوار با تنظیم عواطف خود، نسل پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در حفاظ و پوشش قرار می‌دهد و شهر مکه که محل عبادت در زمین است را دوباره احیا می‌کند؛ بدون اینکه نیازهای مادی در آن اصل باشد و طواغیت بر آن مسلط شوند. حتی تا زمان اقامت بت پرستان و بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، جریان فرزندان حضرت اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام جریان به نسبت مؤثر و کم‌تر دچار محدودیت است؛ زیرا این شهر بر محور بانویی با رفتار الهی و عواطف الهی شکل گرفته است و بر نیازهای مادی که طواغیت بر آن سوار می‌شدند، بنیان نشده است؛ لذا در این شهر نسل پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در امنیت قرار می‌گیرند.

قدرت تمام زنان

لازم به ذکر است که این مقام منحصر به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام و مخدرات انبیاء و اوصیاء نیست؛ بلکه زنان جامعه ما نیز برای حضور عواطف الهی در جامعه می‌توانند به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام تمسک کنند و برای نیل به این هدف فقط در مادی و همسری نباید محدود شوند. راه مدیریت جامعه و عواطف زنان و تأثیرگذاری بر کل عواطف جامعه، راه حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام است.

در حال حاضر، شهرها بر چه اساس شکل می‌گیرد؟ بر اساس تمرکز سرمایه. زنان جامعه ما چطور می‌توانند چنین شهرهایی را با اقتدا به حضرت هاجر بشکنند؟ کما اینکه حضرت هاجر عَلَيْهَا السَّلَام مدنیت‌ساز الهی بود و رفتار حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام نیز در تسبیحات حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام جامعه‌سازی الهی کرد. محبت و اعتماد را به محور پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جلب کرد تا مردم با مشاهده این زهدها پای نهضت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بایستند و او را همراهی کنند. این جامعه‌سازی و مدنیت‌سازی و شهرسازی بر محور الهی است. سطح بالای وظیفه زنان در جامعه کنونی این است که دریابند شهرها چطور بر مبنای سرمایه و سود و پول شکل می‌گیرد و آن را با عواطفشان بشکنند.

این سطح بسیار بالایی است. کمترین حدی که در دسترس تر است، سرمایه‌ای مانند اجتماع زنان در جلسات خانگی زنانه می‌باشد؛ آن‌ها می‌توانند شهر، محله، و یا حداقل ارحام و همسایه خودشان را تحت تأثیر قرار دهند و در این جلسات فقط به ذکر فضایل و مناقب محدود نشوند که فقط اشک بریزند و جلسه را ترک کنند، بلکه باید ببینند دشمن به کجا ضربه می‌زند و از این جمع استفاده کنند. فضایل و مناقب و اشک باید تبدیل شود به امتداد راه حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف زنان و سازمان‌دهی جمع زنان بر محور نیازی که مؤمنین دارند.

امروز در چه موضوعاتی به مدیریت عواطف احتیاج داریم؟

امروز دستگاه ایمان و مؤمنین از کجا ضربه می‌خورد؟ از جنگ و محاصره تبلیغاتی دشمن. زنان باید حداقل پاسخ‌گوی فضای تبلیغاتی شهر و محله‌شان باشند، دریاوند چه شبهه‌ای در این منطقه مدنظر دشمن است، برایش محتوا تدارک ببینند و آن را توزیع کنند. باید با افرادی که به تردید افتاده‌اند گفت‌وگو کنند و با کسانی که منشأ پخش این شبهات در شهرشان هستند مقابله معقولی داشته باشند. آن‌ها باید هویت محله را زنده کنند، پاسخ شبهات مشترک در کشور را پیدا کنند و اقوام و ارحام خود را مسلح کنند تا همه در این جهاد تبیین پاسخ‌گو باشند، فکر و عواطف زنان ارحام و محله را راه بیندازند و از این طریق بر مردان محله تأثیر بگذارند، و افرادی که در این حادثه اخیر در شهر خودشان فریب رسانه‌های دشمن را خورده‌اند را شناسایی کرده و با آن‌ها گفت‌وگو کنند و زنانی که دچار این فریب شده‌اند را برگردانند. بدیهی است با عواطف و منطق همراه هم می‌شود این کار را انجام داد. اگر محله بدین صورت مرتب شود، به راحتی از آن اغتشاش‌گر و فریب‌خورده در نمی‌آید.

وقتی که زنان جو فکری و عاطفی محله را بر عهده بگیرند و بر زنان و سپس مردان محله تأثیرگذاری کنند، آیا به معنای امتداد راه حضرت هاجر در شهرسازی و مدنیت‌سازی بر محور معنویت نیست؟ هویت‌دهی به اقشار، اقوام و ارحام

همسایه‌ها و محله و شهر و روستا و مشارکت در جهاد تبیین، یکی از کارهایی است که می‌تواند جامعه زنان را هماهنگ کند. وقتی که یک نظام فکری و پاسخ‌های متقن معقول با عواطف و رقت و رحمت و عطفیت همراه شود، در این صورت جو محله و شهر تغییر می‌کند. این راه امروز ماست، این وظیفه امروز ماست. کما این که در سطح بالاتر زنان ما می‌توانند راه حضرت زهرا را در زهد مدیران جامعه به نفع مستضعفین پی بگیرند و همان طور که اشاره شد، مطالبه معقولی برای تغییر در نظام پرداخت مدیران داشته باشند تا اعتماد و انسجام جامعه بر محور فداکاری و گذشت مدیران شکل بگیرد و در این صورت می‌توانند انتظار هدیه داشته باشند از مخدره‌ای که با آن رفتار عظیم خود، تسبیحات حضرت زهرا را از پیامبر هدیه گرفت.

روضه‌ی عاطفه...

حضرت زهرا (سلام الله علیها) وقتی برای خطبه فدکیه وارد مسجد شد، از موضع عاطفه چه وضعیتی به راه انداخت؟ بنا به نقل کتاب «بلاغات النساء» وقتی در جایگاه قرار گرفت، «فنیطت دونها ملاءة» یک پارچه و یک پرده‌ای در مقابل حضرت کشیدند. «ثم أنت آنه» صدیقه طاهره یک آهی کشید که اثرش این بود: «اجهش القوم بالبكاء» مردم از جا بلند شدند و با گریه به سمت حضرت حرکت کردند؛ مثل بچه‌ای که با گریه به دنبال مادر می‌دود.^۱ با آه خودش همان مردم نفاق‌زده را هم از جا بلند کرد. «فارتج المجلس» مجلس به لرزه درآمد به نحوی که «ثم امهلت حتی سکنت فورثهم» فرصت داد و سکوت کرد تا اینها از جوش و خروش بیفتند. مجلس را با یک آه این طور جابجا کرد. چون قبلاً عاطفه‌اش را بر سر دنیا خرج نکرده بود و حتی برای حداقل امکانات ضروری هم سر و صدا و گریه به راه نینداخته بود و عواطفش در اوج عقلانیت و بلوغ بود. چنین کسی وقتی آه می‌کشد، مردم عکس‌العمل دیگری دارند.

۱. أَخْهَشْتُ إِذَا تَبَيَّنْتُ إِلَيْكَ وَ هَمَّتُ بِالْبُكَاءِ. وَالْجَهْشُ: أَنْ تَفْزَعُ الْإِنْسَانَ إِلَى غَيْرِهِ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ كَأَنَّهُ يَرِيدُ الْبُكَاءَ كَالصَّبِيِّ يَفْزَعُ إِلَى أُمِّهِ وَ آيَةٌ (ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۲۷۶)

امیرالمؤمنین چنین کسی را از دست داد؛ کسی که رکن وجود او بود. مرحوم صدوق در کتاب امالی نقل کرده از جابر بن عبدالله که امیرالمؤمنین فرمود: نبی اکرم سه روز قبل از اینکه رحلت کند، من را صدا کرد گفت: «**اوصیک بریحانتی من الدنیا**»^۱ من به دو گل خودم از دنیا به تو سفارش می‌کنم. یعنی کسی برایت نمی‌ماند و همین دو فرزند باقی خواهند ماند، پس حواست به اینها باشد. چون به زودی «**فَعَنْ قَلِيلٍ يَهْدُ رُكْنَاكَ**» به زودی هر دو رکنت منهدم خواهد شد، هر دو رکن وجودت را از دست خواهی داد. ینهد از ماده «هدّ» به معنای انهدام و ویرانی و فرو ریختن چیز بزرگی است که از بالای بلندی به زمین بخورد و صدای زیادی ایجاد کند.^۲ «**فَعَنْ قَلِيلٍ يَهْدُ رُكْنَاكَ**» به زودی دو رکن وجودت منهدم خواهد شد و فرو خواهد ریخت. بعد موقعی که نبی اکرم از دنیا رفت و به شهادت رسید، جابر می‌گوید امیرالمؤمنین من را صدا زد گفت: «**هذا الرکن الاول الذی قال رسول الله**» این رکن اولم بود که فرو ریخت. بعد که زهرای مرضیه را از دست داد، فرمود: «**هذا الرکن الثانی الذی قال رسول الله ﷺ**». امیرالمؤمنین در هنگام تدفین همسرش، کنار پیکر پاک صدیقۀ طاهره فرو ریخته بود. رکن وجودش از هم پاشیده بود. لذا شاید بشود آن ذکری که در شب بیست و یکم ماه مبارک گفته می‌شود، در چنین شب‌هایی تکرار بشود: «**تهدّمت والله ارکان الهدی**». تهدّمت از ماده «هدم» و هم معنای «ینهدّ» است. به خدا قسم! که رکن‌های هدایت فرو ریخت و منهدم شد. امیرالمؤمنین مظهر اقتدار است و صدیقه طاهره مظهر عواطف. طرفی که علی با او متعادل‌ترین ترکیب‌ها را به وجود آورده بود، به شهادت رسید. امیرالمؤمنین در کنار جسم صدیقۀ طاهره فرو ریخت. رکن وجودی‌اش، رکن توحیدش، رکن عبودیتش و محور ترکیب امیرالمؤمنین با عواطف از هم پاشید.

«**الالعة الله علی قوم الظالمین و سيعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون**»

۱. محمد بن علی (ابن بابویه)، الامالی، ص ۱۳۵.

۲. الهدم: الهدم الشدید، کحافظ ینهد یمرة فیهدم، و الهدّة، صوت تسمعه من سقوط رکن أو ناحية جبل. (خلیل بن احمد فراهیدی،

کتاب العین، ج ۳، ص ۳۴۷)